

نابودن باد جنگ ؛
هرگز برخیزد
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

۲۰ صفحه - ۸۰ ریال

ازگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
بیرو برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال چهارم
اول دی ماه ۶۷ شماره ۵۳ و ۵۴

تلگراف تبریک به یاسر عرفات

۸۸/۱۱/۲۰

فرمانده کل انقلاب فلسطین ، رفیق روزمنه یاسر عرفات
از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) ، تاسیس کشور مستقل فلسطین را به خلق قهرمان فلسطین ، به سازمان آزادیبخش فلسطین بمنانه نماینده مشروع و قانونی مردم فلسطین ، و به شخص شما تبریک گفته و از ایستادن اقدام جسورانه بطور قاطعانه حمایت میکنیم .

سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران -
پیرو برنامه (هویت)
مهدی سامع

تلگرام تسلیت مسئول شورای ملی مقاومت به رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی

آقای میخائیل گورباچف
رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی
فاجعه دردناک زلزله و از دست رفتن جان هزاران تن از شهروندان گشور صهیامان تأسف و تأثر عمیق مردم ایران را برانگیخته است.
از سوی مقاومت عادلانه
سعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت ایران
۱۳۶۷/۱۱/۱۷
۱۲۸۸/۱۱/۱۸

به گزارش خبرنگاری تاس زمین لرزه بسیار شدیدی در جمهوری ارمنستان شوروی باعث کشته شدن بیش از پنجاه هزار تن از ساکنان این منطقه گردید . این زلزله موجب خرابی و ویرانی چند شهر گردیده است . ما این ضایعه را به حزب کمونیست و مردمان اتحاد شوروی صمیمانه تسلیت میگوئیم و با بازماندگان آن همدردی میکنیم .

برگزاری کنفرانس دوم بخش کردستان

گزارش سیاسی کمیته کردستان به
کنفرانس دوم بخش کردستان

سخنرانی رفیق مهدی سامع

قطعنامه درباره تغییر و تحولات در کردستان
قطعنامه درباره انشعاب در حزب دمکرات کردستان ایران
در صفحه ۱۰

اطلاعیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بیرو برنامه (هویت)
در رابطه با اعدامهای دسته جمعی اخیر

خمینی پیدا شده است . واقعتاً نیست که رژیم ولایت فقیه نقش های آخر خود را می کشد . ولایت فقیه با این شکل و شمائل ضد تاریخی و فئودالیستی - استبدادی قابل دوام نیست . ما سویت ارتجاعی و ضد انقلابی حزب الله به پایان رسیده و خمینی منسوخ شده است . تا به حال و به بیخ زدن ، عمر ننگین رژیم ولایت فقیه را بیشتر تسلیت آن کز اربابان استبدادی که در درون هرم ولایت فقیه شکل گرفته و هر روز صراحت بیشتری می یابد ، قادر نیستند به شکل سابق در کنار هم بمانند و با توسل به جنگ خارجی ، بر بحران داخلی سرپوش گذاشته و بطور کجدار و مریز درگفان هم باقی بمانند . اکنون تمامی واقعتاً ها خبر از این می دهد که بر سر مساله به اصطلاح بازسازی روابط با آمریکا در درون رژیم شدت تضاد و درگیری وجود دارد . جریانی که می خواهد اوضاع بروقی مراد امیرالایسم آمریکا جریخت پیدا کند ، می گوید تا امت همیشه بقیه در صفحه ۱۸

حزب الله به پشت صحنه رانده می شود

طی ماههای پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ از طرف رژیم خمینی ، گروا بیانات متضادی در درون رژیم خمینی در مقابل هم صف آرا شده اند که هر کدام بیان کننده جنبه های از محتوی رژیم خمینی و روندهای گسترش یافته درون آنرا نشان می دهد . آن لغت عمیقی که سران جمهوری اسلامی از صلح و ترقی دارند ، آن بیگانگی دیرینه ای که گردانندگان رژیم ولایت فقیه از دمکراسی ، انقلاب و توده ها دارند ، آنان را در چپه ضد انقلاب و ارتجاع ولایت فقهی به این سو و آن سو برتاب می کند .
بحران وین بستنی که سرانهای رژیم خمینی را فرا گرفته بود ، با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ، نه تنها بافت و نه راه علاجی برای دردهای بی درمان رژیم

پاسخ یاسر عرفات

۸۸/۱۲/۳

به تلگراف سخنگوی سازمان

برادران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

با سلامهای گرم

با تشکر فراوان تلگراف تبریک و تمهیت شما را بمناسبت تشکیل کشور مستقل فلسطین و موفقیت مجلس ملی فلسطین در ریاست مردم - از احسانات هادفانه و مخلصانه شما و سفردینان با مبارزه عادلانه مردم ما تشکر میکنم . قرارهای اتخاذ شده در مجلس ملی ، از آنجمله تاکید بر دست یافتن به آزادی و استقلال و التزام به اتحاد ملی ، همزیستی دمکراتیک ، پلورالیزم سیاسی و میل و رغبت صادقانه مردم ما برای تحقق صلح عادلانه و بیابدار در خاورمیانه از خلال تشکیل کنفرانس بین المللی صلح ، نقطه عطف مهمی را در حیات مردم ما تشکیل می دهد . موکداً برای این باورم که پشتیبانی و تائید همه آزادیخواهان و مردمان شریف در جهان عزممان را ادامه مبارزه ، جهت تحقق صلح عادلانه و تمهید به استقلال ملی را تقویت میکنند .

باتشکر و آرزوی موفقیت برای شما
انقلاب تا پیروزی

یاسر عرفات
رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) آغاز سال جدید میلادی را به کلیه هموطنان مسیحی تبریک میگوید و امیدوار است سال ۱۹۸۹ سال سرنگونی رژیم خمینی و تحقق صلح و آزادی باشد .

در این شماره:

- انعکاس پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم خمینی در جامعه در صفحه ۱۷
- مناخنه مجله آلمانی اسپیکل با میخائیل گورباچف در صفحه ۶
- تاسیس کشور مستقل فلسطین در صفحه ۹

تمام این تصمیمها همه از نظر اصلی است چون هر وقت کند کار دولت در می آید یا بی عرضگی او مشهود میشود و عده ای میخواستند بازگو کنند ، نظر اصلی فوراً همه را خفه می کرد و با لطف بلند بالایی می گفت دولت را شعیف نکنید نتیجه این شد که حالا از بوی تعفنش دولت خودش هم مسموم خواهد شد و دیگر همین لطفها و طرفداریها از دولت خدمتگزار که مثل قرص مسکن بود دیگر اثر ندارد و خود فلک هم دچار تعفن شده و باید خود فلک را ببرند چون دیگر کشیدن دندان هم بی فایده است چون فلک و همه دندانها یکجا فاسد شده است . بهر حال این وضع کشور است . سرانهداران کشور بولشهاشان در بانکها اسبابخته شده و به هیچ کاری نمی زنند چون به هیچ کاری اعتباری نیست . این حرف را یکی از مسئولین یکی از بانکها به خود من گفت که بولشهای گرافسی بقیه در صفحه ۱۸

نامه ای از ایران



..... چنان افتخاری براه افتاده که خود مسئولین کشور هم نمی دانند چه بکنند . بحمدالله از برکت وجود دولت خدمتگزار همه دستگاه ها تساهل در کثافت فرو رفته اند . ۰۰۰ بطور کلی من این طور فکر می کنم و درست هم فکر می کنم که این رژیم از داخل دچار بوسیدگی و کرم خوردگی شده . مشکل دندانی که هر بار درد بگیرد و با قرص مسکن ساکتش می کنند و بیکاره می مانند که تمام دندان سیاه شده و هیچ چاره ای جز کشیدن ندارد و یا سینی که از داخل دچار کرم خوردگی شده و بیکاره معلوم میشود که این سبب تمام کرم خورده و فقط به درد بطل زباله می خورد . بهر حال رژیم به این صورت در آمده و هر چه پنهان کنند باز بوی تعفنش همه ما را آگاه میکند

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

سرکوب شدت می یابد

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد که از سر عجز و زبونی کامل از طرف سردهمداران جمهوری اسلامی صورت گرفت، سوچی از کشتار و اعدام زندانیان سیاسی در اسارتگاههای رژیم جنایتکار خمینی را بعین حال داشت.

رژیم با این کشتارهای وحشیانه تلاش کرد که جلوی تعرض توده‌های بجان آمده از ۸ سال جنگ بسی حاصل، که میرفت تا به عمر ننگین رژیم خاتمه دهد را سد نماید. در حالیکه هنوز هم رژیم در هراس از این مساله شب و روز ندارد، به تشکیل انواع سمینارها و نشست‌ها دست زده تا بلکه راه چاره‌ای برای این مشکل درمان ناپذیر بیابد. سومین گردهمایی سران جنایتکار کمیته‌های انقلاب اسلامی که در روزهای ۲۱ و ۲۲ آبانماه امسال تشکیل شد، دقیقاً به همین منظور برگزار گردید. سراج الدین موسوی نماینده خمینی و فرمانده کل کمیته‌های ضد خلقی که به همراه تعدادی دیگر از جنایتکاران سپاه در روز ۱۳ آبان به دیدار خمینی رفته بود، با ابراز این مطلب که "روش ما واصل اساسی کار شهری که برخورد مستقیم با مردم هست"، اهدافشان را در برگزاری این نشست بخوبی آشکار نمود.

وی در این دیدار گزارشی از "برنامه‌های سال آینده" و "عملکرد سال گذشته" که شامل "برنامه‌های آموزش‌های مختلف عقیدتی - سیاسی و امنیتی و نظامی" بود به خمینی ارائه داد و از "آمادگی کمیته‌های انقلاب اسلامی برای برخورد با افشار ضد انقلاب" سخن گفت. در تمامی گفته‌های موسوی جنایتکار هراس و درماندگی از رشد جنبش توده‌ای در شهرها نمایان بود و آشکارا اعلام کرد که برای "گرفتن روحیه مجدد" به دیدار جلاله‌ان آمده‌اند تا بلکه بتوانند با "قدرت و صلابت بیشتر در شهرها" در مقابل "دشمنان اسلام" ایستادگی کنند، غافل از اینک که مزدوران جنایتکار رژیم بحدی در مقابل مقاومت انقلابی و تعرض توده‌ها به هراس افتاده‌اند که دیگر "امدادهای شبی" هم کارساز نیست و نمی‌توانند کوچکترین تأثیری در مزدوران روحیه باخته شان داشته باشد.

موسوی همچنین مثل کسی که مرتکب اشتباهی شده، با انکار آن به افشای خود می‌پردازد و با ابراز این مطلب که "امروز ۰۰۰۰ هیچ جایی از کشور نیست که بین برادران کمیته و دیگر نهادها اختلافی وجود داشته باشد" از نقادهای عمیق موجود در ارگانها و نهادهای سرکوبگر رژیم برده برداشت و اظهار امیدواری کرد که این "زبارت"، "دوستی و برادری و وحدت" برای آنها برپا داشته باشد تا بلکه بتوانند با "قاطعیت" با "دشمنان اسلام" برخورد کرد. و به خیال خود آنها را "قلع و قمع" نمایند. خواب خوشی که مزدوران رژیم آنرا به گور خواهند برد و این رویاهای ارتجاعی هیچوقت به واقعیت بدل نخواهد شد.

قابل ذکر است که بنا به نوشته ورق پاره‌های رژیم، اخیراً کمیته‌های ضد خلقی به یک "سیستم کامپیوتری" که دارای پانصد هزار حافظه است، مجهز گردیده

اطلاعیه

هم میهنان مبارز
نیروهای انقلابی



رژیم سفاک و ددمنش خمینی در ماههای اخیر موج فزاینده‌ای از کشتار زندانیان سیاسی را در زندانهای مخوف خود برآه انداخته است. بر اساس گزارشهای رسیده هیئتی از طرف شخص خمینی مسئول اجراء ای احکام اعدام فرزندان در بند خلق گردیده که بطور روزمره در سراسر کشور با قساوت و بیرحمی هرچه تمامتر زندانیان سیاسی را دست بسته به جوقه‌های تیرباران و تیرهای اعدام می‌سپارد. رژیم خمینی در سراسر سقوط و در حالیکه می‌رود تا آخرین روزهای حکومت ننگین و قرون وسطائی اش را سپری نماید، درمانده و ناچار و بخمال خود برای جلوگیری از شعله‌ور شدن آتش خشم انقلابی خلق که طومار زندگی سراسر جنایت او را در هم می‌نوردد و با سر دادن تیرنده‌های وحشیانه به انتقام گیری در درون زندانها پرداخته است.

هم میهنان آزاده

موج اعتراض جهانیان بر علیه این جنایات رژیم خمینی در کشورهای مختلف و از طرف سازمانهای بشر دوست برخاسته است. در سازمان ملل متحد بیانیه‌های محکومیت رژیم بی در پی صادر میشود. سازمانهای عفو بین الملل و حقوق بشر و دیگر ارگانهای مشابه با استناد به اطلاعات دقیق، رژیم خمینی را بخاطر اعدای دسته جمعی محکوم شناخته‌اند. در چنین شرایطی فریاد خود را بر علیه رژیم خمینی و در حمایت از فرزندان دلیر خلق که در زندانها در زیر تیغ جلاخان رژیم هستند، بلند نمائید. مطمئن باشید که رژیم روزهای آخر خود را می‌گذراند. تظاهرات و تیرگیری‌های فزاینده در درون رژیم حکایت از سرانجام تلخ و عبرت انگیز رژیم سفاک خمینی دارد. سیزده روز رژیم از درون پاشیده شده است. اعدام آخوندهای طرفدار منتظری جنایتکار توسط باند رقیب به سرمداری رفسنجانی مزدور و درگیریهای فیزیکی در میان سپاه و موج بازداشت‌ها و پیگرد افراد خودی همه و همه نشانگر خاتمه دوره حاکمیت این رژیم مخوف است. با شرکت در حرکات اعتراضی خانواده‌های شهیدان خلق و هماهنگی در افشاکاری بر علیه رژیم و کمک و یاری رساندن به خانواده‌های زندانیان سیاسی و حمایت از مقاومت عادلانه مردم ایران به رهبری شورای ملی مقاومت به سرنگونی هر چه سریعتر این رژیم جنایتکار یاری نمائید.

هم میهنان آزاده و شریف خارج کشور،

در شرایطی که مردم در بند کشورمان در زیر بوغ استبداد خمینی هر روز و هر روز متحمل خسارات مالی و جانی فراوان می‌گردند و در شرایطی که این مردم بهترین فرزندان خود را با در شعله‌های جنگ ضد میهنی و با در زندانها از دست داده‌اند و طبقه مایه که بیاری هم و با پشتیبانی از حرکات اعتراضی و شرکت گسترده در تظاهرات بر علیه رژیم در کشورهای مختلف دنیا و با جلب حمایت از سازمانهای مترقی بر علیه رژیم حاکم بر ایران بخریم.

رفقا و هواداران سازمان

رژیم خمینی با حمایت ارتجاع بین الملل و امپریالیستهای خونخوار و با استفاده از جو سکوت مطبوعات بین المللی که در حمایت از اقدامات جنایتکارانه رژیم ایجاد شده است، در زمانی کمتر از چهار ماه هزاران تن از فرزندان در بند خلق را که هیچ جرمی بجز حمایت از خواسته‌های بر حق خلق خود ندارند به قتل رسانده که به گوشه‌ای از این جنایات در اعلامیه قبلی سازمان اشاره شده است. با کلیه توان و امکانات خود در کشورهای مختلف دنیا به افشاکاری بر علیه رژیم خمینی بپردازید. در هر کجا که هستید از اعتماد غفای هواداران مقاومت ایران که در خارج کشور به ابتکار سازمان می‌جاهدین خلق ایران در ۱۵ کشور دنیا در اعتراض به موج اعدامهای زندانیان سیاسی برپا شده است پشتیبانی و حمایت نمائید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)
۸ / آذر ماه ۶۷

کمک های مالی دریافتی از امریکا

دوستان و رفقای زیر کمک های مالی شما دریافت گردید

ا - ط	نومبری	۱۰۰ دلار
ج - ربا	تگراس	۱۰۰ دلار
م - م	ویرجینیا	۳۹ دلار
(م - ن) ا	ارگان	۲۶ دلار
م	کالیفرنیا	۱۸ دلار
ح - ق	واشنگتن	۱۵ دلار
ح - م	واشنگتن	۸ دلار
ا - ج	ویرجینیا	۱۸۰ دلار

که می‌تواند "هویت و سابقه فعالیت" نیم میلیون نفر را نگهداری کند. و "مدرنیزه" کردن آن هم دستاوردی برای آنها نخواهد داشت. خشم و کینه توده‌های بجان آمده ایران با این تهدیدها و "سیستم" سازیها و "مدرنیزه" کردن‌ها که با توجه به تجربیات سازمانهای مخوف سیا و موساد صورت می‌گیرد، فروکش نخواهد کرد، بلکه مبارزات آنها بیش از پیش صیقل خواهد خورد. تاریخ نشان داده است که سرنویست دیکتاتورها نابودبست.

با پوشش

شماره ۵۲ نبرد خلق که قرار بود در تاریخ اول آذر امسال منتشر شود بععلت بعضی اشکالات تکنیکی ارتباطی انتشار نیافت. با پوشش از خوانندگان نبرد خلق بخاطر این مساله، اینک شماره ۵۲ و ۵۴ نبرد خلق یکجا منتشر می‌شود.

اخبار و رویدادها....

بقیه از صفحه ۲۰

گزارش سالانه سازمان " عفو بین الملل " که هر ساله بصورت منظم منتشر میشود امسال نیز با اشارات زیادی به جنایات رژیم خمینی در کلبه تشون اجتماعی منتشر شد. گزارش امسال با اشاره به موارد متعدد شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران، فقدان هر گونه عدالت قضایی برای دستگیر شدگان و متهمین سیاسی و محکوم کردن تنبیهات و مجازات های بدنی و حیوانی و غیر انسانی از قبیل قطع انگشتان دست و سنگسار کردن مجرمین غیر سیاسی آغاز میشود.

در این گزارش عفو بین الملل تاکید می کند که کسانی را که محکوم به اعدام می شوند در ابتدا شلاق می زنند و سپس به دار می آویزند و نیز دهها تن از زندانیان سیاسی را که در زندان اوین به حالت اعتصاب غذا بوده اند مخفیانه اعدام کرده است. گزارش عفو بین الملل ضمن تاکید بر اینکه زندانیانی که به سرک محکوم میشوند هیچ حق و حقوقی در برخورداری از دادگاه تجدید نظر و استیناف دادن به دادگاه بالاتر را ندارند، به موارد زیادی از دستگیری های ناموجه توسط رژیم خمینی اشاره می کند و هم چنین موارد اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در زندان های اوین و کوهردشت و زندان های قصر و قزل حصار را نام می برد. در این گزارش پیرامون مجازات های فیزیکی که در مورد متهمان اعمال میشود آمده است: " رسماً اعلام شده که در طول یکسال گذشته تقریباً ۴۵۰۰ نفر تنها در تهران مشمول مجازات های وحشیانه شده اند و انگشتان دست عده ای از آنها به عنوان مجازات زدنی قطع گردیده اند ".

گزارش در زمینه ترور ریم صادرانی رژیم به خارج از ایران می نویسد که: " تبعیدیان ایرانی در خارج کشور هم از خوشنهای رژیم در امان نماندند و تعدادی از آنان طی سال ۱۹۸۷ در اتریش، انگلستان، پاکستان و جاهای دیگر به وسیله مأموران رژیم با عملاتی که رژیم اجبر کرده بود، ترور شدند ".

گزارش سالانه عفو بین الملل همچنین اعلام می دارد که رژیم خمینی در سال ۱۹۸۷ به هیچکس از درخواست های این سازمان در زمینه رعایت حقوق زندانیان و حقوق بشر پاسخ قابل ملاحظه ای نداده است.

سازمان عفو بین الملل با انتشار گزارشی کشور ترکیه را برای پناهندگان و آوارگان ایرانی با امن اعلام کرد. این سازمان یاد آور شد که نمونه های متعدد از استرداد آوارگان ایرانی و اعدام آنها توسط رژیم خمینی دیده شده است. این گزارش که در هفت صفحه تنظیم شده متذکر میشود که اطلاعات خود را از آوارگان ایرانی در ترکیه که به صحت آنها اعتقاد دارد دریافت داشته است.

پروفسور گالیندویل گزارشگر و نماینده و بیژنه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحده در روز

چهارشنبه ۱۱ آبان گزارش شبهه شده در مورد " وضعیت نقض حقوق بشر در ایران " را که شامل ۲۰ صفحه می باشد انتشار داد. در این گزارش پیرامون موارد نقض حقوق بشر در رژیم خمینی از جمله اعدام های گسترده زندانیان سیاسی بنا بر اطلاعاتی که خوروا توسط چند تن از زندانیان سیاسی هوادار سازمان مجاهدین خلق در اختیار سازمان ملل قرار گرفته و از منابع اطلاعاتی دیگر بدست آمده اظهار نگرانی گردیده است. گزارش ضمن شناسایی رژیم خمینی بعنوان رژیم ناسف اساسی - ترین حقوق انسانی تصریح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می کند که بنا بر اطلاعاتی که دریافت داشته از ۲۳ تا ۲۵ مرداد امسال بیش از ۸۶۰ تن از زندانیان سیاسی تیرباران شده و به گورستان " بهشت زهرا " منتقل شده اند و همچنین به تیرباران ۲۰۰ تن از زندانیان سیاسی که در حمال اعتصاب غذا در محوطه زندان اوین صورت گرفته و همچنین ۱۵۵ نفر در یک شب در این زندان اعدام شده و سپس در گورهای دسته جمعی خاک سپرده شده اند و در شهریور سال ۶۶ در جریان یک اعتصاب غذا در زندان اوین ۴۰ نفر تیرباران شده اند. در گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در مورد انواع شکنجه های قرون وسطایی و روش های معمول در زندانها صحبت شده و تلاش گردید که کودکان ۸ تا ۱۱ ساله نیز مورد شکنجه و آوارهای زندانیان قرار گرفته و دختران خردسال مورد تجاوز پاداران قرار گرفته اند.

در روزهای ۱۸ الی ۲۶ سپهر ماه پارلمان اروپا مستقر در شهر استراسبورگ فرانسه قطعنامه ای را به تصویب رساند که در آن نقض حقوق بشر در ایران توسط رژیم خمینی محکوم شناخته شده است. این قطعنامه توسط گروه سوسیالیست پارلمان اروپا به اجلاس این پارلمان ارائه شد.

۱۴۰ تن از نمایندگان پارلمان اروپا با انتشار بیانیه ای خطاب به بزرگوارهای دبیر کل سازمان ملل متحد خواستار اقدامی بمنظور جلوگیری از اعدام های دسته جمعی در زندانهای خمینی گردیدند.

بنیال تظاهرات اعتراضی هواداران مقاومت ایران در ۱۷ شهر بزرگ جهان علیه اعدام های دسته جمعی زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی تعداد ۱۱ نفر از نمایندگان سنای امریکا با نوشتن نامه ای به دبیر کل سازمان ملل متحد خواهان تحقیق و بررسی گزارشات مربوط به اعدام های دسته جمعی زندانیان سیاسی در ایران شده و از دبیر کل خواستند که با استفاده از نفوذ سازمان ملل برای خاتمه بخشیدن به هر گونه نقض حقوق بشر در ایران اقدام نماید.

به گزارش نشریه اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج کشور ا هواداران سازمان مجاهدین خلق

ایران رژیم برمانده خمینی ۳ تن از زنان قهرمان و مقاوم مجاهد خلق را که از ابتدای سال ۶۰ تاکنون در زندانها و شکنجه گاهای خمینی اسیر بوده اند از زندان قزوین به زندان کرمانشاه منتقل کرده و بعنوان زندگان اسیر ارتش آزادیبخش ملی ایران به جوخه اعدام سپرده است. اسامی این شهیدای قهرمان خلق، بازرگانی، جباری و هاشمیان (تنها دختر باقیمانده خانواده هاشمیان در قزوین) می باشد. همچنین به گزارش این نشریه ۳ تن از زندانیان قهرمان مجاهد در شهر همدان بوسیله جراثقال حلق آویز شده اند. گزارش اعلام می دارد که در شهر مشهد نیز ۱۳ نفر از زندانیان مجاهد تیرباران شده اند. همچنین یکی از قهرمانان گشتی در اراک بنام مجاهد خلق قاسم بستانگی که دبیر ورزش بوده بدست مزدوران رژیم شهادت رسیده است. طبق گزارشهای رسیده به نشریه اتحادیه تعداد زندانیانی که بدست رژیم در شهر اراک اعدام شده اند به ۴۰ تا ۵۰ نفر میرسد و ملاقاتها قطع و تعداد زیادی از افرادی که قبلاً از زندان آزاد شده اند مجدداً دستگیر گردیده اند. در زندان ارومیه در روز ۱۲ آبانماه جاری مجاهد خلق هوشنگ پیرنژاد که در سال ۶۱ دستگیر شده بود و در زندان اصطهبانات فارس ۲ تن از هواداران مجاهدین بنام های مفرسی و صفاری و یک زندانی دیگر بنام حسن در زندان اوین تیرباران شده اند.

بنیال دعوی مربوط به تعویض وزیر سیاه پاداران و مخالفتهای گوناگون باندهای مختلف رژیم که به جایگزینی سخانی مزدور به جای رفیق دوست گردید، هاشمی رفیجانی رئیس مزدور مجلس ورهبر بنیاد اصلی حاکمیت بمنظور کاهش تضادها و کم کردن فشار از روی محسن رفیق دوست و تا اندازه ای جلو گیری از موج ترور شخص خودش که از طرف بدنه سپاه بعثت انجام شده با صدور حکمی محسن رفیق دوست را به سمت مشاور جانشین فرمانده کل قوا در امور منابع نظامی و لجستیکی و تدارک نیروهای مسلح برگزید.

به گزارش خبرگزاریها علیرضا مرنوی وزیر بهداشت رژیم در مصاحبه ای اعلام کرد که بنای التور در تهران و استانهای شمالی کشور شیوع پیدا کرده است و تا کنون حدود دو هزار نفر دچار این بیماری مهلک گردیده اند. در حاکمیت ارتجاعی و بی کفایت خمینی انواع بیماریهای واگیر دار به محض شیوع جان تعداد زیادی از هم سپیدمان را گرفته و اقدامات بسپوده رژیم در پیشگیری این گونه بیماریها که در دنیای امروز دیگر مسئله حادی که جان انسانها را به خطر می اندازد نیست، هیچگونه کاری ندارد.

در ادامه حکومت گستر زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم خمینی بیش از ۱۷۰۰ تن از نمایندگان پارلمان های ۱۸ کشور جهان و پارلمان اروپا، رهبران احزاب و سندیکاهای سیاسی و کارگری و شخصیت های اجتماعی با ارسال تلگرامهایی به خاوربزرگ و کوشیلاز

اخبار و رویدادها...

خواهان اقدامات لازم بمنظور جلوگیری از موج گشتار دسته جمعی زندانیان و ارسال هیئت‌هایی برای بازدید از شکنجه‌گاه‌های خمینی شدند.

برطبق اخبار دریافتی، وزیر جهاد سازندگی در یک جلسه بسیار مهم که در وزارت جهاد سازندگی با شرکت بسیاری از نزدیکان و وابستگان به جناح موسوی (نخست وزیر) تشکیل شده بود (۶۷/۷/۱۰) به ساله رابطه با آمریکا و سیاستی که جناح رفسنجانی در رابطه با بازسازی در پیش گرفته اشاره می‌کند و بطور جدی می‌گوید اگر خط سازش و نزدیکی با آمریکا مسلط شود، تمامی ما نابود شده‌ایم. ولی بانا امید می‌گوید صحبت‌های بعضی از مسئولین و مقالاتی که اینروزها در مطبوعات منتشر می‌شود نشان می‌دهد که خط نزدیکی با آمریکا دارد با سرعت پیش می‌رود. در این جلسه محمد سعیدی مسئول کمیته کشاورزی جهاد سازندگی می‌گوید که ما در مقابل رفسنجانی باید آیت الله منتظری را تقویت کنیم، در این جلسه بسیاری از اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی شرکت داشتند، و نیز سندس میرزاده (معاون اجرایی نخست وزیر و سرپرست ستاد پشتیبانی مناطق جنگ زده) شرکت داشتند.

به گزارش خبرگزاری‌های رژیم در روز ۱۷ مهر ماه جاری بر اثر جاری شدن سیل در ۱۱ روستای ایران که در بخش شمالی کشور قرار دارند خسارات مالی و جانی زیادی به مردم وارد شد.

چهل و یکمین دوره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا با پیروزی جرج بوش از حزب جمهوریخواه خاتمه یافت. بوش در این انتخابات با بدست آوردن ۵۲ در صد آرا، و پیروزی در ۳۳ ایالت بر رقیب خود مایکل دوکاکس از حزب دمکرات که تنها ۴۶ در صد آرا را بدست آورد پیشی گرفت و به سمت ریاست جمهوری جدید آمریکا برگزیده شد. به گفته آگاهان با وجودیکه مردم آمریکا از برنامه ارائه شده توسط دوکاکس استقبال می‌کردند ولی عدم کفایت وی را در انجام بعضی امور حیاتی دلبلی بر شکست وی می‌دانند. در انتخابات گنگره حزب دمکرات با بدست آوردن اکثریت در مجلس نمایندگان و سناسا توانست به پیروزی برسد.

در انتخابات کشور پاکستان که بعد از ۱۱ سال از زمان روی کار آمدن ضیا الحق که با کودتای برعلیه ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر این کشور همراه بود و بعد از کشته شدن ضیا الحق انجام گرفت حزب مردم به رهبری خانم بوتو با بدست آوردن اکثریت آرا به پیروزی رسید. و به درخواست کفیل ریاست جمهوری پاکستان غلام اسحق خان بمنظور بوتو به سمت نخست وزیر جدید پاکستان برگزیده شد. وی در ۴ دسامبر

جاری تشکیل کابینه خود را اعلام کرد. وی با اعلام طرح ۸ ماده‌ای خود تعدادی از زندانیان سیاسی را آزاد کرد و بر انجام اصلاحات زیادی در پاکستان تاکید نمود. در همین رابطه آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت تلگراف تبریکی بمناسبت انتخاب خانم بوتو به عنوان نخست وزیر پاکستان ارسال داشت.

حکومت رژیم خمینی در مجمع عمومی ملل متحد

بندبال ارائه گزارش پرفسور گالیندویل گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد که خبر آن در این شماره نشریه چاپ شده است، سرانجام در روز چهارشنبه نهم آذر ماه مجمع عمومی ملل متحد با اکثریت آرا، رای سر حکومت رژیم خمینی بخاطر نقض شدید حقوق بشر و اعدام زندانیان سیاسی در ماههای اخیر داده این رای که در واقع شکست سختی برای رژیم ضد بشری خمینی و افشای دیگر باره چهره سزایا تیرنگه و دروغ آن می‌باشد، در اثر فعالیتهای شبانه روزی نمایندگان مقاومت و یارانش اسناد و مدارک کافی مبنی بر جنایات رژیم در زندانها و تلگرافهای آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت، به همراه ارائه اساسی ۲۰۰ تن از قربانیان جنایتهای اخیر رژیم خمینی به دبیر کل سازمان ملل و بخصوص اعتراضات غذای قهرتمندانه، هواداران مقاومت ایران در ۱۷ کشور دنیا که موجی گسترده از حمایت‌های مردمی رابطه دنبال داشت، هویت گرفت و پیروزی مهمی برای مقاومت عادلانه خلق رستگار می‌رود. حرکات اعتراضی هواداران مقاومت ایران در کشورهای مختلف دنیا موجی عظیم از اعتراضات بین المللی را برانگیخت رژیم خمینی براه انداخت و تمامی ترفندهای نمایندگان مزدور رژیم در خارج از کشور و در درون سازمان ملل متحد را که با تمامی تلاش و کوشش خود سعی در وانمود کردن چهره‌ای منطقی از رژیم خمینی داشتند نقش بر آب کرد. در زیر پرده مربوط به رای گمراهی مجمع عمومی ملل متحد را برای اطلاع خوانندگان نبرد خلق چاپ می‌کنیم.

تورودکنز کاظم سامی را محکوم می‌کنیم

دکتر کاظم سامی یکی از وزرای دولت بازرگان در روز چهارشنبه ۲ آذر ماه در مطب خود واقع در تهران به ضرب چاقوی یک پاسدار مسلح که به عنوان بیمار به مطب وی مراجعه کرده بود، مشروب و سپس در بیمارستان درگذشت. با توجه به عکس العمل‌های شد و نقیض کارگزاران رژیم و با توجه به نقش دکتر کاظم سامی که بعنوان رابط بین منتظری و بانساز بزرگان عمل می‌کرد این جنایت باید توسط بانساز رفسنجانی و بادستور خمینی صورت گرفته باشد. به بندبال رسوایی جدید رژیم خمینی که در اثر تورود دکتر کاظم سامی بوجود آمده بود محتشمی وزیر کشور رژیم طبق معمول دست از پا درازتر به میدان آمد و ترور وی را به "شد انقلاب" نسبت داده و با مطرح کردن اینکه ردپایی از سجاهدین بدست آمده وحشت رژیم را از مقاومت انقلابی ایران نشان داده در مراسم خاکسپاری دکتر سامی نیز مژده‌وران رژیم عده‌ای از شرکت کنندگان که قصد شتمسار دادن و راهپیمایی داشتند را با تهدید و ارباب و ادار به سکوت نمودند.

ما این اقدام جنایتکارانه رژیم خمینی را محکوم می‌نماییم. علی اکبر لولایی، وزیر جنایتکار خمینی در صحابه با شبکه تلویزیونی ام‌بی‌ان در آمریکا کدر تاریخ ۶ شهریور اسال پخش شد گفت: "تا هنگامیکه دولت واشنگتن اموال ضبط شده ایران در آن کشور را آزاد نسازد، جمهوری اسلامی حاضر به انجام هیچ تلاش جدی برای رها سازی گروگانهای آمریکا در لبنان نخواهد بود." روزنامه شرق الاوسط وابسته به عربستان سعودی از شماره ۲۸ اوت اسال خود ششم شهریور می‌نویسد: "آخرین تماسها برای رها سازی گروگانهای خارجی در لبنان به پایان رسیده و انتظار می‌رود همه ربهوده شدگان در چند ماه آینده آزاد شوند" این روزنامه با استناد به منابع موثق می‌نویسد: "مقامات ایران و ایالت متحده پیرامون رها سازی

Table with columns for country names and voting results. Includes a summary row at the bottom: DRY VOTE: 28-11, AYE: 88-61, VOTE NO: 82, ROLL CALL, RECORDED, NON RECORDED.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسزکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلش

اخبار و رویدادها....

گروگانهای آمریکایی که در بیروت در اسارت هستند
می‌برند به توافق محرمانه‌ای دست یافته‌اند و پس‌زودی
رهایندگان گروگان آلمانی هانس کوشبرادر آرای‌هایی
محمد علی عمادی تروریست لبنانی آزاد می‌سازند،
رهایندگان برای آزاد سازی گروگانهای دیگر ۵ میلیون
دلار باج مطالبه می‌کنند.

همچنین روزنامه الوطن العرب در تاریخ ۱۲۹ اوت
خود می‌نویسد " اخیرا اختلاف شدیدی بین جمهوری
اسلامی ایران و چندتن از رهبران حزب الله لبنان بروز
کرده است. دلیل این اختلاف تلاش استقلاله رهبران
حزب الله برای مذاکره با کشورهای اروپایی و آمریکا
بمنظور گرفتن رشوه درازای آزاد سازی گروگانهای
خارجی می‌باشد."

خاسته‌ای در تاریخ ۳۰ سپتامبر جاری طی یک
سخنرانی در ورزشگاه استقلال شهر سنندج گفت:
" استکبار جهانی پس از پیروزی انقلاب سعی
کرد تمامی اهرمهای فشار را علیه جمهوری اسلامی
بکار گیرد و یکی از این اهرمها این بود که قصد داشت
میان برادران مسلمان ششمه و سنی مساله بنامزد."

خاسته‌ای جنایتکار که رژیمش در همین زمان مدها
نقزای زندانیان سیاسی و مخصوص زندانیان سیاسی
کرد رابه جوخه اعدام سیرده از سواوات بین تمام
مردم دم سزند و می‌گوید: " جمهوری اسلامی از آغاز
پیدایش با پیروی از اصول اسلامی به تمام مردم کشور
به یک چشم نگاه کرد و آنها را بعنوان عضو از اعضای
خانواده جمهوری اسلامی قلمداد کرده است." این
حرف خاسته‌ای جنایتکار در مورد فشار بر تمامی مردم،
اعدام دسته جمعی و چپاول و غارت مردم از طرف رژیم
خمینی حرف درستی است.

هفتم نوامبر مطابق با ۱۶ آبانماه اسفند هفتاد و
یکمین سالگشت انقلاب اکتبر در میدان سرخ مسکو به
گونه‌ای متفاوت از گذشته برگزار شد. برخلاف آئین-
های پیشین در این آئین رژه‌های چشمگیر صورت نگرفت
و برای اولین بار پس از نزدیک به ۱۰ سال نمایندگان
آمریکا و سایر کشورهای عضو ناتو در آن شرکت داشتند.
همچنین وزیر دفاع شوروی در بخشی از سخنرانی
خود در میدان سرخ مسکو سیاست نوین میخائیل
گورباچف رهبر اتحاد شوروی را پیرامون همکاری با
اعراب برای حفظ صلح و حل مسائل بین‌المللی را مورد
تائید قرار داد. شکل برگزاری آئین اسفند پنجمی باز
حکایت از تحولات چند سال اخیر در کشور شوروی
می‌کرد، تحولاتی که میخائیل گورباچف را در این
نظام سیاسی شوروی قرار داده و توسط او سیاست جدید
شتاب گرفت. این مراسم بطور وسیع در سراسر جهان
انعکاس یافت.

در تکمیل و توزیع
آثار سازمان
بکوشی باد

تلگرام تبریک
مستول شورای ملی مقاومت ایران
به خانم بی نظیر بوتو
نخست وزیر پاکستان

خانم بی نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان؛
از سوی مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و
آزادی انتخاب شما را به نخست وزیر کشور همسایه پاکستان
تهنیت می‌گوییم. این انتخاب سرت همی نیروهای
دمگراتیک را برمی‌انگیزد.
پیشرفت و رفاه مردم پاکستان و توفیق هر چه بیشتر
دولت شما در خدمت به مردمان را آرزو می‌کنم.
مردم ایران که در سیهاترین ادوار تاریخ خود تحت
حاکمیت دیکتاتوری قرون وسطایی و ضد انسانی خمینی
پس می‌برند، طبعاً انتظار دارند که پس از نخست وزیر
شما تبعیدیان و پناهندگان ایرانی در پاکستان از امنیت و
شرایط بهتری برخوردار شوند. بی تردید پس از سرنگونی
رژیم خمینی فصل نوینی در تاریخ دو کشور همسایه گشوده
خواهد شد.

معمود رجوی
مستول شورای ملی مقاومت
و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران
۱۲/۱۲ در ۱۳۶۷
(۳/۲۳ اسفند ۱۹۸۸)

درگرامیداشت هزاران زندانی سیاسی که در روزهای
اخیر بدست مزدوران رژیم خمینی شهادت رسیدند.

نازلی

ازاحمد شاملو
بی‌دی و امطان سا لاخانیان
"نازلی! بهار خنده زود از غوان شکفت
در خانه ز برین چرخه گل داد باس پیر.
دست از گمان بدار!
با مرگه نحس پنجه میفکن!
بودن به از نبود شدن، خاصه در بهار..."
نازلی سخن نگفت.

سرافراز
دندان خشم بر چکرو خسته بست و رفت

" نازلی! سخن بگو!
فرغ سکوت، جوجه مرگی فنجبر را
در آئین به پیشه نشسته ست!
نازلی سخن نگفت
جو خورشید

از تیرگی بر آید و در خون نشست و رفت
نازلی سخن نگفت
نازلی ستاره بود؛
یک دم در این غلام درخشید و جست و رفت.

نازلی سخن نگفت
نازلی بلخسته بود؛
گل داد و
مژه داد: " زستان شکست!
و
رفت

بیانیه همبستگی با اعتصابیون

رژیم خمینی در اوپسن دقایق زوال وانهدام همه
جانبه‌ی خود و در وحشت سرگ از موج توفنده انقلاب
آنچنانکه سنت دیرینه کلیه دیکتاتورهای پا به گور
است - دست به کشتار وسیع و انتقام گیری بهر حاله
از زندانیان سیاسی آلوده است. آمار و آخباری که در
این رابطه انتشار یافته‌اند، بخوبی بیانگر ابعاد
فاجعه بار و غیر انسانی جنایت هولناکی ست که دانسته
خونبار آن، آگاهترین و سابق ترین قزندگان خلق را در
برگرفته است.
همر زمان و رفقا

افشاگرهای همه جانبه‌ی مقاومت انقلابی و
پیشاپیش آن سازمان مجاهدین خلق ایران و به سواوات
آن اعتصاب غذای شما، کوشش رژیم خمینی به منظور
پنهان ساختن جنگ و دندان آفته به خون خود در پس
صلح طلایی دروغین و تاتر سخک رقم - عناصر مسدود
را با شکست مواجه ساخته و فضای سکوت و تاریکی
مطلق را که مطلوب آن است، برهم خواهد زد.
مجموعه تلاشهای مقاومت برای انعکاس هر چه رسانر
بانگ و ندای اسرای سرافراز خلق بویژه در شرایط
کنونی که از یکسو سرمایه جهانی به منظور شرکت
هر چه بیشتر در بازار ماز سازی خمینی، قصد تطهیر
چهره‌ی رژیم وی را دارد و از سوی دیگر قطعنامه‌های
محکومیت این رژیم بخاطر نقض حقوق بشر در سازمان
صلح متحد، طی روزهای آتی به رای مجمع عمومی آن
سازمان گذاشته خواهد شد، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

عزم شما در به ثمر رسانیدن آنچه که پیروزی تنها
واژه‌ی سزاوار آنست و بی تردید از درون سلولهای
شکنجه و اعدام اوین و گوهر دشت تا عرصه‌های دیپلماسی
جهانی رادر خواهد نوردید. کوه دیگری از بیاباداری
و ظو انمندی خلقی ست که تاریخ سراسر مبارزه و مقاومت
خوبش را خود به تنهایی رقم می‌زند.

جاودان باد باد و نام تمام شهدای به خون خفته خلق
هر چه مستحکمتر باد بیوند جنبش سلححانه انقلابی
و اسرای سرافراز خلق
انجمن هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت) العان غربی

اطلاعیه مستول شورای ملی مقاومت
در باره مبادله اسیران جنگ ایران و عراق

روز گذشته دولت عراق یکبار دیگر آمادگی خود را
برای مبادله‌ی فوری و بی قید و شرط کلیه اسیران جنگ
ایران و عراق اعلام نمود. این امر در شرایطی صورت
می‌گیرد که کار مبادله‌ی گروهی از اسیران مجروح که
در مذاکرات اخیر زمو مورد توافق قرار گرفته بود، بر
اثر کارشکنی رژیم خمینی معلق مانده بار سال ها
اسارت و دوری از خانواده و سپهر بردوش انبوه اسیران
جنگ در هر دو طرف سنگینی می‌کند.

به این ترتیب زندگی و سرنوشت همه اسیران بار
دیگر در گرو بازی های سیاسی رژیم ضد انسانی خمینی
قرار گرفته است، رژیمی که تا توان داشت سال ها به
ترباتی کردن بیدریغ اتباع ایران در جنگ ادامه داد.
شورای ملی مقاومت ایران از همه دوستانه ان
صلح و حقوق بشر و از همه مراجع ذیربط بین المللی



توضیح: در شماره‌های ۳۹ و ۴۵ و ۴۶ نبرد خلق، بخش‌هایی از مقالات مندرج در مجله نیشن جاپ آمریکا بهرامون روابط دارودسته ریگان با رژیم خمینی چاپ شده است.

گزارش اقلیت

مجله نیشن

به قلم: کریستوفر هچنز

تاریخ: ۱۹ / سپتامبر / ۱۹۸۸

جورج بوش، معاون رئیس جمهور آمریکا و رئیس سازمان سیا در زمان ریاست جمهوری جerald فورد، مهمترین سودجوی دارودسته ریگان می‌باشد. اما از او قبل از اینکه به تاج و تخت نزدیک شود، بایستی به طور علنی پرسیده شود که از ماجرای "سورپریز-اکتبر" سال ۱۹۸۰ چه می‌داند.

در "گزارش اقلیت" های قبل (مراجعه شود به نبرد خلق شماره‌های ۳۹، ۴۵ و ۴۶)، من شواهدی در رابطه با این اعتقاد که تیم انتخاباتی ریگان-بوش در سال ۱۹۸۰ موافقتنامه محرمانه‌ای با رژیم آیت الله خمینی منعقد ساختند، ارائه دادم. ماهیت آن موافقتنامه این بود که اگر ایران از آزاد ساختن ۵۲ گروگان آمریکایی، ناشکست جیمی کارتر در انتخابات خودداری کند، حکومت حق شناسی ریگان-اسلحه در اختیار تهران قرار خواهد داد. کمیسیون رقت انگیز تاور و تحقیقات دست و پا شکسته کندر که در مورد ایران-کنترا، با زبهرسی خود را داوطلبانه به دوران پس از ارسال پولهای ایران برای گنترها محدود ساختند و در نتیجه هیچگاه نپرسیدند که چرا در سال ۱۹۸۱، یعنی زمانیکه هیچ گروگان آمریکایی در ایران با بیروت وجود نداشت، اسلحه به ایران فرستاده می‌شد.

در طول چند هفته گذشته، افشاکریها و تحولات جدیدی این سوال را باری دیگر مطرح ساخته‌اند. اینها عبارتند از:

• در برونده‌ای که در اوایل ماه گذشته به دانشگاه متسختن (نیویورک) ارائه شده، وکیل شخصی گسسه متهم به توطئه برای فروش اسلحه به ایران است، با ادای سوگند اظهار کرده است که موکل او با ویلیام کیسی، در زمانیکه کسی رئیس سازمان سیا بود، تماس مرتب داشته است. متهم، به نام ویلیام نور شروب شریک سیروس هاشمی بوده و می‌گوید که او و کیسی "بین سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶ گفتگوی تلفنی مرتب داشتند".

• در پانزدهم ژوئن ۱۹۸۸، جیمی کارتر در یک

برنامه تلویزیونی گفت: "قبل از انتخابات گزارشی به من داده شد مبنی بر اینکه گروگانها آزاد نخواهند شد و فروش اسلحه به ایران مستقما و با از طریق اسرائیلیها از سر گرفته خواهد شد." در هشتم ژوئیه، در مصاحبه‌ای در شیکاگو، کارتر زمان آزاد ساختن گروگانها را "عجیب" توصیف کرد. او گفت: "در سه روز آخر، من در کاخ سفید بودم، ما در مورد همه جزئیات آزاد شدن گروگانها به توافق رسیده بودیم. زمانیکه من کاخ سفید را به قصد محل جشن شروع ریاست جمهوری ریگان ترک کردم، مکانی که در آنجا من دوره ریاست جمهوری را به پایان رسانده و ریگان ادای سوگند می‌کرد، تمامی گروگانها در هواپیمایی در فرودگاه آماده پرواز بودند. به سن گفته شده بود که آنها حدود ده صبح آنروز پرواز می‌کنند. اما ایرانیها به دلایلی هواپیما را دقیقاً تا سر ظهر نگذاشتند و آنگاه پرواز صورت گرفت. زمانیکه ما هنوز در محل جشن بودیم، به من اطلاع داده شد که هواپیمای گروگانها واقعا پرواز کرده است." این اولین اظهار نظر علنی کارتر در مورد عجیب بودن زمان پرواز می‌باشد، گر چه من یک اظهار نظر کتبی از او دارم که در آن او می‌گوید که ساخت و باخت "سورپریز اکتبر" از طریق منابع مطلع، در زمان ریاست جمهوری او، به وی اطلاع داده شده بود. • یاسر عرفات، در مصاحبه‌ای در ماه سپتامبر گذشته، پرشنامه خود را به معام ابوشریف، سخنگوی اصلی ساف، داد تا او نکاتی را روشن سازد. معام ابوشریف، که یک فلسطینی با اعتبار می‌باشد، با تاکید اظهار می‌دارد که در جریان انتخابات سال ۱۹۸۰، یک ریگانی ارشد با صافه تماس گرفت. او گفت: "از صاف می‌خواهد که از نفوذ خود برای تأخیر در آزادی گروگانها تا بعد از انتخابات استفاده کند." ما در صورت انکار آنها، شواهد خود را رو خواهیم کرد."

• باربارا هونگر، که برای تیم انتخاباتی ریگان-بوش و پس از آن تا مدتی در کاخ سفید کار می‌کرد، در مصاحبه‌ای با ایستگاه رادیویی بنام آمریکای دیگر اظهار داشت که جورج بوش خود شخصا در ملاقاتی در پاریس با فرستادگان ایران در اکتبر ۱۹۸۰ حضور داشت. تقویم انتخاباتی بوش برای روزهای بیست و یکم تا بیست و هفتم اکتبر، نکری از هیچگونه فعالیت انتخاباتی او ندارد و کارمندان او تا به حال توضیحی برای کارهای او در آن هفته ارائه ندهاده‌اند. واقعا "جورج کجا بود"؟

آنچه که در بالا آمد، ممکن است به نظر اتفاقی و حدسی بیاید. اما در نظر داشته باشید که مشاورین اسبق امنیت ملی یعنی ریچارد آلن و رابرت مک فارلین، پیش از این به داشتن ملاقاتی با مقامات ایرانی در اکتبر ۱۹۸۰، اذعان کرده بودند و اینکه ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور پیشین ایران، اعتقاد خود را به وجود معامله‌ای که به ریگان و خمینی سود رسانده و به ضرر او و کارتر تمام شد، قبل از اینها اظهار کرده بود.

چه موقعی این و سایر سوالات در مورد "گاندیدای ایران" (بوش) پرسیده خواهند شد؟

در باری پروستریکا

بخشهایی از:

مصاحبه مجله آلمانی اشپگل با میخائیل گورباچف
زمان: اکتبر ۱۹۸۸

اشپگل: پروستریکا چطور به پیش می‌رود؟ تا کتون به چه دست یافته‌اید؟

گورباچف: مهمترین دستاورد ما وضعیت نوین اخلاقی و معنوی جامعه است. مردم بهوش آمده‌اند، زیرا ما علائق انسانها را مرکز ثقل زندگانی عمومی قرار داده‌ایم.

اشپگل: از کجا آغاز کردید؟

گورباچف: ما تصمیم گرفتیم که تحلیلی واقعی و انتقادی از وضعیت سیاسی و اقتصادی جامعه ارائه کنیم. این تحلیل ما را به این نتیجه رهنمون شد که اجتماع ما نیازمند یک دگرگون سازی عمیق در تمامی زمینه‌هاست. ما دریافتیم که گرچه بسیاری از کارها انجام می‌شود، اما سستی‌ها و اهمال کاریهای زیادی وجود دارد و بسیاری از انتظارات مردم برآورده نمی‌شود. تحریفها و انحرافات در راه سوسیالیستی ما رخنه کرده بود. برای غلبه بر اینها می‌بایست به سطح تازه‌ای از دموکراسی، فضای باز و شفافیت سیاسی دست یافت. راه حل ما چنین است: "سوسیال-لیسم بیشتر".

• بوسیله دموکراتیزه کردن می‌توانیم از تمامی توان سوسیالیسم بطور کامل بهره بگیریم. اشپگل: این دیدگاه برای اقتصاد هم معتبر است (گورباچف: بلی. ما این اصل را در اقتصاد هم مینا قرار داده و تصمیم گرفتیم با تغییر شیوه‌های رهبری اقتصادی، اقتصاد را دموکراتیزه کنیم و "انسان" را دوباره در مرکز ثقل روند تولید بنشانیم. بطوریکه او سرور خانه باشد. در این راستا ما حق گروههای کارگری را در انتخاب روسایشان به رسمیت شناختیم.

اشپگل: بدین طریق اقتصاد فرماندهی از میان برداشته می‌شود؟

گورباچف: طبیعتا همه می‌توانند آنطور زندگی کنند که کار می‌کنند. بنابراین باید بیلائی از حقوق و وظائف وجود داشته باشد. ما همچنین دریافتیم که بدون دگرگون سازی روندهای سیاسی، نمی‌توانیم دگرگونیهای عمیق را عملی ساخت و پروستریکا را در سیستم سیاسی برای از میان برداشتن سیستم فرمانده-هی دولتی که ریشه در زمان استالین و دوران رکود داشت آغاز کردیم. بسیاری از شهروندان از شرکت در پرونده‌های سیاسی محروم بودند. از اینجا یک روش زندگی و یک روحیه بخصوص ناشی شده بود. زیرا انسانها آنچه را که می‌بایست در روند عادی رشد تولید و اجتماع در اختیار داشته باشند، نداشتند. یکی دیگر از جنبه‌های مهم دگرگون سازی هم از همین جا ناشی می‌شود: سالم سازی اخلاقی.

اشپگل: چه مقاومتهایی در برابر پروستریکا وجود دارد؟

گورباچف: موانع زیادند، ما در جریان همه آنها نیستیم. اما مهمترینشان بدین قرارند: ما یک تصمیم صحیح اتخاذ کردیم. هیچکس قادر نبود چیز دیگری عرضه کند. انتقادات با هدف تسخیر روند دگرگون-



درباره‌ی پروستریکا

سازی و کشف نقاط ضعف عنوان می‌شوند و این کاملاً عادی است. سیاست یک پروسه زنده است، در اصطلاح با زندگانی باید تصحیح و غنی بشود. اصل مسئله اینجاست، ملت صمیمانه از این سیاست استقبال کرده و اکنون از آن حراست می‌کند. روند دموکراسی و فضای باز مکانیسم کنترل جدیدی را ایجاد کرده‌اند و پروستریکا را تضمین می‌کنند. دگرگون‌سازی در بعضی موارد مطلوب به پیش می‌رود، و در بعضی موارد نه چندان جالب. در بعضی جاها سریع و در بعضی جاها کند. اما ما برآنیم که تحول را به پیش برانیم، حتی اگر سالهای دشواری در پیش داشته باشیم. به ویژه ۲۰۲ یا چهار سال آینده. داستان یک پروسه چند جانبه، پراز تناقض و عمیق است. داستان تغییر بنیادی ساختارهای خانهای که در آن زندگی می‌کنیم، نه برسر نژاد و آب و رنگ، و کاغد دیواری.

بدیهی است که یافتن راه حل‌های مناسب بسا واقعیات چندان ساده نبود، اما ما آنها را یافتیم. راه حل‌های ما در سطح وسیعی از افکار عمومی و در تمامی اجتماع پاسخ مثبت دریافت کردند. مسئله فقط مسئله یک نظریه سیاسی نیست، بلکه مهمتر برائیکه مربوط به آن است. که به همه مربوط می‌شود و این جریان را پیچیده‌تر می‌کند. ما بسا استانداردهای مشخصی عادت کرده بودیم، نه تنها در تفکرمان، بلکه همچنین در دستیابی به تولیدات مادی، که همواره با میزان کارمان مطابقت نمی‌کرد. پروستریکا همه چیز را به جایگاه واقعی خویش باز خواهد گرداند.

اشپیکل: بوروکراسی چگونه پروستریکا را متوقف می‌کند؟

گورباچف: در این رابطه هم در کشور ما و هم - علی الخصوص - در خارج رزمه‌هایی وجود دارد. اینها واقعیت دارد اما نه کاملاً. قوی‌ترین مانع پروستریکا محافظه کاری است که در تمام اقشار وجود دارد. فی‌المثل سیستم اجاره‌ای جدید در کشاورزی را در نظر بگیریم. ظاهراً ساده بنظر می‌رسد. " این زمین در اختیار، نشان بده چه در تو نهفته است. تو منتظر چندین لحظه‌ای بودی". با فی‌المثل آزادی تصمیم گیری در کارخانه، بسیاری این را می‌خواستند. حالاً بفرمائید این دروازه دروازه برویتان باز. ما بایستد بساموزیم و مسئولیت بپذیریم. راه دیگری وجود ندارد. حقوق بدون وظیفه و مسئولیت پذیری مقبوضی ندارد. اشپیکل: پروسه دگرگون‌سازی در مجموع به چه مدت زمانی نیاز دارد؟

گورباچف: این پروسه نیازمند زمانی طولانی است و هدفهای میان مدت نوسازی تغییر خواهند کرد. به این خاطر نمی‌خواهیم در ارائه بیان عجله کنیم. سهم اینست که تمامی کشور به جنبش درآمده و این جنبش هدفهای بنیادین را دنبال می‌کند.

اشپیکل: پروستریکا چه تأثیری بر سیاست خارجی اتحاد شوروی دارد؟

گورباچف: در این رابطه هم به اهداف نهایی دست نیافته‌ایم. اما پیشرفت‌هایی کرده‌ایم. ما وقتی

که پروستریکا را آغاز کرده، جهان پیرامون خود را واقع‌گرایانه به زیر ذره‌بین بردیم، متوجه وضعیست نامری شمیم: جهان تغییر کرده و واقعیت‌های دیگری پدید آمده‌اند. اما مناسبات بین المللی گمان‌کنان بر اساس پرنسپ‌های دوران بعد از جنگ دوران جنگ سرد - استوارند. اینجا هم ضرورت‌های یک دگرگونی آشکار شده بودند. به‌رحال ما در حال حاضر در رابطه با مناسبات بین المللی وازه دیگری داریم: "تفکر جدید" ما معتقدیم که با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود و با رعایت اصل انتخاب آزاد سیستم اجتماعی، همزیستی مسالمت آمیز باید عملی شود. ما می‌توانیم گوناگون باشیم. مابخشی‌های مختلف یک تمدن واحدیم. شاید تنها تمدن جهان، این ارگانیکسم جهانی می‌تواند پراز تضاد و پیچیده باشد، اما همه چیز بواسطه یک سرنوشت مشترک بهم پیوسته است. گوناگونی‌ها نباید دلیلی برای درگیری نظامی باشد، بلکه باید زمینه‌ای باشند و انگیزه‌ای برای مبادله و رقابت. من خوشبین هستم. امیدوارم که در سال ۲۰۰۰ جهانی رها از سلاح‌های هسته‌ای داشته باشیم، حداقل در جهانی که بطور جدی نابودی سلاح‌های هسته‌ای را آغاز کرده. من یقین دارم که قرارداد ای.ان.اف به مثابه یک گلی نخواهد بود که بهار را بخوش نیآورد. اشپیکل: چه تضمین دراز مدتی برای پروستریکا وجود دارد؟ رقم‌های حقوقی چه نقشی در این رابطه دارد؟

گورباچف: این یک مشکل کلیدی در راه ایجاد "دولت قانون" سوسیالیستی است. ما سخت معممیم که با حمایت مردم امکان تمرکز قدرت و سوء استفاده از آنرا مسدود سازیم. ما می‌خواهیم حقوق و آزادی‌های شهروندانمان را چنانچه در قوانین ملی ما تعریف شده است تضمین کنیم. و همچنین خودقوانین را هم کامل خواهیم کرد. ما باید پیش شرط‌های اجتناب ناپذیری را که "دولت قانون" تضمین می‌کند، حفظ کنیم. از جمله این پیش شرط‌ها (که تاریخ بارها ضرورتش را برای ما اثبات کرده): قدرت باید فقط برای مدت محدودی در دست‌های یک فرد قرار داشته باشد. مدتی که محدودیتش توسط قانون تعیین می‌شود. قدرت نباید در دست‌های بی صلاحیت قرار بگیرد. البته به زبان آوردن ساده‌تر از عملی کردن است. اما ما باید آن را عملی سازیم. به وسیله انتخاب بهترین‌ها از میان نامزدهای متعدد، بوسیله آگاهسازی همیشگی و همچنین کار توشیحی در حین انتخابات. و نهایتاً بوسیله تضمین برابری همه در مقابل قانون. بیشتر بگیریم، قدرت نباید در محدوده کوچکی از افراد متمرکز شود. ما بطور جدی و بی‌گسری به تقسیم مسئولیت‌ها بین حزب، دستگاه قانونگذاری، دستگاه اجرایی و مراجع قضائی آغاز کرده‌ایم. برای هماهنگی با ضروریات نوسان دموکراتیک کردن هر چهار نهاد باید متحول شوند. ما اینرا رقم در سیستم سیاسی می‌نامیم، گرچه این فی‌الواقع انقلاب حقوقی است.

ما همچنین تغییراتی در قوانین جرائی، حقوق شهروندان و دیگر چهارچوب‌ها را آغاز کرده‌ایم. مهم اینست که حتی غیر قابل چشم پوشی شهر وندالمان در حراست از شخصیت، حیثیت، اموال و مسکنشان تضمین شود.

خلامه و سفید بگویم، ما معتقدیم که در بی‌قانونی

هیچ قدرت مردمی نمی‌تواند وجود داشته باشد. ما یک پروسه پیچیده، سخت و از بعضی جهات دردآوری را آغاز کرده‌ایم. همه چیز یک شبه دگرگون نخواهد شد. در نهایت این انسانها هستند که قانون را ایجاد می‌کنند و همچنین این انسانها هستند که قوانین را زیر پا گذاشته و بی مومرفش می‌کنند.

اشپیکل: آیا گلاسنوت مرزی هم دارد؟
گورباچف: بدیهی است. این مرزها بوسیله قانون و عقل مشخص شده‌اند. مرزهایی وجود دارد که بوسیله استانداردهای اخلاقی، علاقه به تثبیت نظم اجتماعی و تصمیم برای سیستم سوسیالیستی تعیین گشته‌اند. در نهایت ما سنت‌های مشخصی داریم که بازوسیه کهن، به روحیه ملی و به تفکر و دیدگاه‌های شورائشی در ارزیابی از خوب و بد مربوط می‌شوند. ما این دیدگاه را به عنوان اجزا تشکیل دهنده، فرهنگ انسانی ارزیابی می‌کنیم، اما وجود کنتراست اجتناب ناپذیر است. ما وضعیت امروزی گلاسنوت را دانشی تلقی نمی‌کنیم. با تربیت دسکراتیک و رشد فرهنگ سیاسی، گلاسنوت تنوع و استحکام خواهد یافت.

گزار از خودگی و یکنواختی سابق به پلورالیسم سوسیالیستی کاملاً قاطع است و حزب تصمیم به عقب نشینی ندارد. بدون فضای باز نمی‌توان دموکراتیکیزه کرد و بدون دموکراتیکیزه کردن پروستریکا - این نوسازی جامعه و نظام - وجود نخواهد داشت.

ما معممیم قلمروهای را که بروی انتقاد بسته بوده‌اند، بکشاییم، قلمروهای بی قانونی را از میان برداریم و بر تضاد بین سخن و عمل غلبه کنیم. هم‌اکنون یک قانون مطبوعات در دست تهیه است و همچنین باید قواعدی تصویب شوند که امکان دستیابی همه شهر وندان اتحاد شوروی را به اخبار و اطلاعات دست اول فراهم کنند. اما ما آگاهیم که صرف ایجاد قوانین کافی نیست. باید رعایتشان را تضمین کرد و باید آموخت چگونه می‌توان از حقوق استفاده کرده و با مسئولیت‌ها پیوندشان داد.

اشپیکل: حزب کمونیست اتحاد شوروی در آینده نقش دیگری در حکومت و جامعه به عهده خواهد گرفت؟
گورباچف: هم اکنون در خودحزب هم یک دگرگونی در جریان است. اینطور شده بود که حزب مسئولیت‌های بسیار اقتصادی و اداری به عهده گرفته بود و دیگر قادر به انجامشان نبود. ارگانهای دولتی هم تقابلاً از یاد برده بودند که به وظایفشان عمل کنند. اکنون نقش حزب و متد فعالیت‌هایش بر حسب مصوبات کنفرانس ۲۷ و نوزدهمین کنفرانس حزبی تغییر می‌یابد.

ما رقم سیاسی را با تغییرات کفنی در خود حزب آغاز کرده‌ایم. حزب باید نوسازی شود. خلوص بسودی مقامش را باز باید بنا کرد و هر عمل صلاحیت خود را برای رهبری سیاسی جامعه به اثبات برساند. ما یلیم دوباره تکرار کنیم، قانون را باید پارلمنت تصویب کند، دولت باید نقش اجرایی داشته باشد و ارگانهای قضائی باید قضاوت کنند.

همه چیز بطور ناگهانی دست نخواهد آمد. عمل مرکزی آغاز شده. باید برای بسیاری ملاحظات آماده بود. لکن هیچکس قادر نیست رود زمان را متوقف کند. مادر لحظات طوفانی تن به آت میرده‌ایستیم و نهایتاً به ساحل مقابل دست خواهیم یافت.



برخی از رویدادهای تاریخی

۱۹۲۳ - سالروز آزادی آلبانی
بقیه از صفحه ۲۰

۱۹۲۵ - تشکیل فدراسیون دمکراتیک بین‌المللی زنان
۱۹۲۵ - تصویب منشور حقوق سندیکایی زحمتکشان
بوسنیه شورای عمومی " فدراسیون سندیکایی جهان"
۱۹۴۸ - تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سازمان
ملل متحد

۱۹۵۰ - بنیان گذاری شورای جهانی صلح در ورشو
۱۹۶۷ - استقرار جمهوری دمکراتیک خلق یمن جنوبی
بنیال استقلال یمن

رویدادهای تاریخی - دی ماه
داخلی:

۱۳۰۰ - درگذشت رفیق حیدرخان عمواوغلی
۱۳۰۰ - انتشار نخستین شماره روزنامه "حقیقت"

ارگان حزب کمونیست ایران با مدیریت محمد دهگان
تحت نام ارگان اتحادیه‌های کارگران تهران

۱۳۲۵ - شهادت گروهی از افسران و درجه داران مبارز
جنبش ملی آذربایجان

۱۳۲۶ - انشعاب جناح خلیل ملکی از حزب توده
۱۳۳۰ - تعدد قرارداد خاشاکه نظامی ایران و آمریکا

بوسنیه رژیم شاه
۱۳۳۸ - درگذشت نیمیایوشیچ

۱۳۳۸ - اعتصاب دانش آموزان در تهران
۱۳۴۰ - اعتصاب کارگران هیریر بافی اصفهان

۱۳۴۶ - شهادت جهان پهلوان تختی (روز ورزش)
۱۳۵۲ - اعدام انقلابی سرگرد نیک طبع، شکنجه گر

رژیم شاه توسط رزمندگان دلیر فدایی
۱۳۵۶ - کشتار مردم قم توسط مزدوران رژیم شاه

۱۳۵۷ - شهادت کامران نجات الهی استاد مبارز
دانشگاه و از اعضا برجسته کانون علمی دانشگاهیان

۱۳۵۷ - کشتار وحشیانه مردم قزوین توسط مزدوران
سرکوبگر رژیم شاه خائن

۱۳۵۷ - کشتار وحشیانه مردم مشهد بدست مزدوران
شاه خائن

۱۳۵۷ - سقوط دولت نظامی از هاری و تشکیل کابینه
نوکر بی اختیار، بختیار

۱۳۵۷ - روز بازگشایی دانشگاهها
۱۳۵۷ - فرار شاه خائن

۱۳۵۷ - آزادی آخرین دسته از زندانیان
سیاسی در رژیم شاه

۱۳۵۸ - اعلام برنامه‌ی ۱۲ ماده‌ای آقای مسعود رجوی
در جریان انتخابات ریاست جمهوری

۱۳۶۰ - شهادت مادر قهرمان مجاهد خلق، معصومه
شادمانی (کبری)

۱۳۶۱ - ملاقات مسعود رجوی مسئول شورای ملی
مقاومت با طارق مزیز، معاون نخست وزیر و وزیر

اسور خارجه عراق
خارجی:

۱۹۱۹ - شهادت روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت
از رهبران کمونیست آلمان

۱۹۲۰ - تولد ناظم حکمت، شاعر انقلابی ترک
۱۹۲۷ - تاسیس جمهوری خلق رومانی

۱۹۵۲ - تاسیس جبهه رهایی بخش ملی ساندینیست
۱۹۵۹ - پیروزی انقلاب کوبا

درسنامه‌های خبری جهان

درباره‌ی پروستریکا

اشپیکل: هم اکنون در اتحاد شوروی يك بحران
خاد تدارکاتی حاکم است، این از کجا ناشی می‌شود.

گورباچف: سوال شما حاوی ارزیابی بسیار غیر
صمیمانه‌ی از وضعیت کشور ماست، بلی ما مشکلات

تدارکاتی زیادی داریم و این مسئله را علنا عنوان
می‌کنیم، اما به بن بست نرسیده‌ایم و می‌دانیم که

چطور باید جریان را تصحیح کرد، همچنین امکاناتش
را هم در اختیار داریم، کارل مارکس در زمان خودش

نوشت: " اجتماع به قهقرا کشیده خواهد شد، اگر
دست از کار کردن بکشیم." بنابراین بستگی مهمی به

این دارد که منظم و با روش های جدید کار کنیم، در این
مورد هم بسیاری چیزها باید دگرگون شود و اینجا هم

آغاز به کار کرده‌ایم.

ما در غلبه بر میراث گذشته‌های تزارستی
و کاپیتالیستی و در مبارزه برای آزادی، برای بری

و برادری دگرگونی بنیادین اجتماعی را عملی ساختیم،
فی الواقع در شرایط انقلابی، در جامعه ما انسان

از نظرگاه اجتماعی پشتوانه‌ای بس قوی دارد، لکن
این يك جنبه قضیه است، جنبه دیگر قضیه: پراتیک

سیستم فرماندهی دولتی و کم بها دادن به انگیزه‌های
مادی و اخلاقی کار سالیان درازی موجب رشد نموده‌ای

منفی در اجتماع گردید، پاسیویسم، یکسان سازی
فکری، آزارنده، روانشناسی روزمزدی و روحیه

"بعد از من بنیا و آب ببرد" اما اکنون باید بر
تمام اینها غلبه کرده، هر همه جا بوسیله اجاره ابزار

تولید، بوسیله بها دادن به اجل سوددهی اقتصادی،
بوسیله تعاونی ها و بوسیله ترکیب علاتی شخصی

و اجتماعی که يك واحد دیالکتیکی را می‌سازد،
با کلامی دیگر: بوسیله گسترش دیدگاه مالکیت

سوسیالیستی، امکاناتش و مندهای بهره‌وری اش
بذیبی است، مانع صورتی می‌توانیم به موقعیت

اقتصادی نوین و بلائی دست بایم که تکنولوژی مدرن
را بکار گیریم.

ما بقینا به تولید مواد غذایی و محصولات مصرفی
و در قلمرو اجتماعی علی‌الخصوص به بهبود کیفی

بهداشت و درمان، مسکن سازی و آموزش و پرورش
ارجحیت خواهیم داد.

اشپیکل: آیا اتحاد شوروی شکل جدیدی از " طرح
مارشال" را رد خواهد کرد؟

گورباچف: کلمه " طرح مارشال" اولین بار نیست
که در رابطه با اتحاد شوروی بکار برده می‌شود، من

فکر می‌کنم این از يك تصویر غیر واقعی و از بعضی
جہات از تمایل به بازگشت به بزرگ منشی سابق ناشی

۱۹۶۱ - شهادت یاتریس لومومبا نخست وزیر قانونی
کنگو

۱۹۶۵ - آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین زیر رهبری
سازمان آزادیبخش خلق فلسطین

۱۹۷۳ - ترور آمیلکار کابرال، رهبر جنبش رهایی بخش
خلق گینه بدست مزدوران پرتغالی

۱۹۸۲ - تولد ماشوتسه دون، رهبر کبیر انقلاب توده‌ای
چین

۱۹۲۲ - درگذشت گالیله

می‌شود، وقتی که ترن اقتصاد اتحاد شوروی بسدون
لوکوموتیو سرمایه‌داری از گردنه بالا نمی‌رفت.

برای اینکه يك بحث طولانی را صرفه جویی کرده
باشیم اینطور خلاصه می‌کنم: ما از جانب خود

مطمئنیم که می‌توانیم مشکلاتمان را با نیروی خویش
حل کنیم، در عین حال آماده‌ایم از امکاناتی که روابط

خارجی مان به ما عرضه می‌دارد حداکثر استفاده را
ببریم، ما انتظار نداریم کسی به ما کمک کند، بلکه

موضوع علاقت مشترک است، هم شما و هم ما علاقه مند
به آنیم که بار مخارج نظامی را بکاهیم، هم شما وهم

ما علاقه مند گسترش روابط اقتصادی و علمی -
تکنیکی می‌باشیم.

غرب هر روز بیشتر در خواهد یافت که بندهای
ایدئولوژیک اقتصاد جهانی، تجارت، روابط مالی

و تکنولوژی دقیقاً همانند سابقه تسلیحاتی، نه تنها
مشکلات ما، بلکه مشکلات ایشان را هم افزود.

بنابراین باید با روش کاملاً دیگری وارد موضوع شویم
تا هر دو طرف برنده باشیم، اما اینکه همکاری های

آینده، ما چه شکل مشخصی خواهد یافت، در رده دوم
قرار دارد.

ترجمه از مسعود، ۲۷ نوامبر ۱۹۸۸

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

درباره‌ی ترور دکتر کاظم سامی

خمینی ضد بشر به جنایت تازه‌ی دست بازید
و آقای دکتر کاظم سامی وزیر اسبق بهداشتی را هم به

قتل رساند، به این ترتیب موج اعدام و کشتار پیوسته
گسترش می‌یابد و هر روز به دستور شخص خمینی افراد

و دستهای جدیدی از روحانیان و مقامات پیشین حکومت
نیم قربانی می‌شوند، پس از خوردن زهر آتش بس

و قدم گذاشتن به مرحله‌ی فروپاشی و سرنوشتی محتوم،
الیه از رژیم خمینی انتظاری جز این نمیتوان داشت.

والا حکومت کننده هرگز قادر به ادامه‌ی حکومتش
نمی‌بود و مهار اوضاع راه سرعت از دست می‌داد.

بدین ترتیب خمینی دجال ضد بشر علیرغم دمزدن
از " منشور برادری" چاره‌ای جز کشتار و جنایت باز هم

بیشتر نمی‌یابد، اینست مفهوم فشی باز سیاسی در
قاموس خمینی! اما نا آنجا که به مردم ایران رسد

کلمه‌ی افراد و نیروهایی مربوط می‌شود که با رژیم
ضد مردمی ضد ملی خمینی سرسازش و تسلیم ندارند،

راه دستیابی به آزادی و استقلال و صلح پایدار و حاکمیت
مردمی پیوستن به مبارزه‌ی مسلحانه‌ی انقلابی و ارتش

آزادیبخش ملی ست، رژیم خمینی بایستی در تمامیتش
سرنوشت خود، این رژیم قابل اصلاح و استحاله پذیر

نیست و در درون آن چیزی جز ننگ و جنگ و جنایت یافت
نمی‌شود.

بنابراین سوادگران و خیانتکارانی که در بحبوحه‌ی
اینهمه کشتار و اعدام هنوز به تمنای جاه و مقام سربز

آستان خمینی فرود می‌آورند، به این رژیم بلید اظهار
وفاداری می‌مایند و مبارزات مسلحانه‌ی رشیدترین

فرزندان مجاهد و مبارز این میهن را تخطئه می‌کنند،
آب درهاون می‌کوبند.

شورای ملی مقاومت ایران ترور ناجوانمردانه‌ی
دکتر کاظم سامی را محکوم می‌کند، بیگمان دیکتاتوری

فرون وسطایی خمینی حساب این خونریزیهای بدمردیغ
مسعود رجوی

رایس خواهد داد، مسئول شورای ملی مقاومت ایران
۱۳۶۷/۵/۱۳

تاسیس کشور مستقل فلسطین

روز سه شنبه ۲۴ آبانماه ۶۷ در الجزیره پایتخت الجزایر جاشی که شورای ملی فلسطین اجلاس خود را تشکیل داده بود، یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در میان هیله شادی و ایستادگی احساسات همگانی تاسیس کشور مستقل فلسطین را که پایتخت آن بیت المقدس خواهد بود اعلام کرد. متن اعلامیه استقلال که در شورای ملی فلسطین بتمویب رسیده بود توسط رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین قرائت گردید. یاسر عرفات در میان کف زدن شدید حضار و نمایندگان که ایزاز احساسات می کردند از تریبون پائین آمده و دیگر رهبران فلسطین را در آغوش کشید و سپس مجددا پشت تریبون قرار گرفت و گفت که مردم باید به مبارزه و قیام خود حول پرچم فلسطین ادامه دهند.

سازمان آزادیبخش فلسطین در زمینه شناسایی اسرائیل و پذیرش قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد تاکید کرده تا زمانی که حق تعیین سرنوشت و حقوق ملی فلسطینیان برسمیت شناخته نشود از پذیرش قطعنامه سرباز خواهد زد. فلسطینیان کرانه باختری رود اردن و نوار غزه بعد از شنیدن این خبر به شادی پرداخته و به خیابانها ریخته و در حالیکه پرچم فلسطین را بردوش می کشید.



مخالفت ورزیده و ماهیت ضد خلقی خود را آشکارتر نمودند. راندو رژیم خمینی در تفسیری تشکیل کشور مستقل فلسطین را " خیانت " نامید و آنرا خلاف مصالح مردم فلسطین (بخوان اسرائیل) قلمداد نمود.



ند سرود ملی (سرزمین من) را می خواندند. بدنبال اعلام تاسیس کشور مستقل فلسطین شناسایی این کشور از طرف دولتهای مختلف دنیا آغاز گردید و هر روز تعداد بیشتری به شناسایی آن مبادرت می ورزید. رژیم مرتجع خمینی و هم پیمان منطقه ای آن، اسرائیل در همان آغاز با تشکیل چنین کشوری

انعکاس قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط

رژیم خمینی در جامعه

- ج - مراکز کارگری و صنعتی
بقیه از صفحه ۱۷
- ۱- مکان - تهران - خیابان نظری خیابان میرعماد - اداره حسابداری شرکت گشت و صنعت کارون زمان - ۶۷/۴/۲۰
سوز: یک کارمند اخراج شده از شرکت می گفت: مردم از این آخوندها خوب انتقامجی گرفتند. حالا آخوندها باید یکی یکی زهر بخورند. حق آنها بود که این شکست ها را بخورند.
 - ۲- مکان - تهران - میدان آرژانتین خیابان بیهقی کوچه ۱۶ شرقی دفتر مرکزی شهر صنعتی گاو زمان - ۶۷/۵/۱۴
سوز: یکی از کارکنان شرکت می گفت: "حیف شد که مجاهدین خلق نتوانستند اینها را شکست دهند. خمینی برای مقابله با مجاهدین، هرچه نیرو داشت به جیبها اعزام کرد. بعد از آنکه دولت مجبور شد قطعنامه را قبول کند، این فریب مجاهدین برای همه خوشحال کننده بود. ولی حیف که موفق نشدند کار را تمام کنند."
 - ۳- مکان - تهران - خیابان پاسداران - جاده اقدسیه - مرکز منابع خابرات ایران زمان - ۶۷/۵/۱۱
سوز: یک کارگر می گفت: " پدر سوخته های بیشتر بچه های مردم را به کشتن دادند. حالا هم که هیچ غلطی نکرده اند باز هم از مردم طلبکار هستند."
 - ۴- مکان - تهران - خیابان شریعتی - خیابان ماسک

فلسطین - یک پیروزی بزرگ

عمومی کشورهای جهان به تصمیم امریکا در عدم صدور ویزا برای یاسر عرفات سرافکندگی عظیمی برای امریکا و پیروزی صهیونی برای جنس فلسطین بشمار می رود. در این رابطه دولت امریکا برای جبران این شکست تصمیم گرفت که در یک اقدام مثبت به نفع فلسطینیان هیئتی را برای ملاقات با هیئت فلسطینی در تونس اعزام دارد. هیئت امریکایی به سرپرستی سفیر امریکا در سوئد بعنوان نماینده تاما لا اختیار امریکا و هیئت فلسطین با همدیگر دیدار و مذاکره نمودند. این جریان موجب ایزوله شدن هرچه بیشتر اسرائیل گردید.

- محل اتحادیه های صنفی تهران
زمان - ۶۷/۵/۹
سوز: یک راننده تاکسی به دوستش می گفت: نگاه کن که این حزب الهی ها چقدر ناراحت هستند. مثل اینکه پدرشان مرده است.
دوست راننده گفت، آخه بابا اون زهر را خورده. بعید نیست همین روزها کارش تمام شود.
- ۵- مکان - تهران - خیابان افریقا - دفتر شرکت سهامی گشت و صنعت نیشکر خفت تپه زمان - ۶۷/۵/۱۵
سوز: یک کارمند زن می گفت: حالا که در جیبها شکست خورده اند و مجبور شده اند با آبروریزی تسلیم شوند. انتقام آنها می خواهند از بچه های مردم در زندانها بگیرند. اگر این آخوند اردبیلی راست میگه، برود در جیبها بچنگد، نه اینکه در نماز جمعه
 - ۶- مکان - تهران - کارخانه پارس فاستون زمان - ۶۷/۵/۲۰
سوز: یک کارگر اهل اهواز می گفت: از اقوام که از جنوب تلفن زده اند، شنیده ام که در عراق مردم جشن گرفته اند. کاشکی می توانستم شراین حزب الهی ها را از سر خودمان کم کنیم و ما هم جشن بگیریم.
 - ۷- مکان - تهران - شهری کارخانه چیت شهری زمان - ۶۷/۵/۲۰
سوز: یک کارگر، سالخورده در حالی که مواظب اطراف خود بود به یک فروشنده دوره گرد می گفت: من که از خوشحالی سرازیا نمی شناسم. این همه بدبختی که برای جنگ کشیدیم بکطرف، اینکه بالاخره این ملاها شکست خوردند، خودش کلی باعث خوشحالی است.
- بقیه در صفحه ۱۸

برگزاری کنفرانس دوم بخش کردستان

کوتاه پس از جلسه افتتاحیه کنفرانس، جلسات کار کنفرانس آغاز بکار کرد. ابتدا گزارش سیاسی - تشکیلاتی کمیته کردستان توسط مسئول کمیته کردستان ارائه گردید که پس از بحث و بررسی کافی به تصویب رسید. کنفرانس همچنین در رابطه با " تغییر و تحولات در کردستان " و نیز " در رابطه با انشعاب در حزب دسکرات کردستان ایران " قطعنامه‌های صادر کرد. آخرین بخش کار کنفرانس به انتخابات اختصاص داشت. در این زمینه اعضای اصلی و علی البدل کمیته کردستان و نیز جانشین مسئول کمیته کردستان در فضایی دموکراتیک انتخاب گردیدند. دومین کنفرانس بخش کردستان با سرود انترناسیونال به کار خود پایان داد. گزارشی سیاسی کمیته کردستان، قطعنامه‌های مصوب کنفرانس و سخنرانی رفیق سهدی سامع در این شماره نبرد خلق چاپ خواهد رسید.

دومین کنفرانس بخش کردستان سازمان در روز ۶۷/۸/۱۲ با شرکت اعضا و کاندیدای عضو سازمان در این بخش شروع بکار نمود و بعد از دوازده روز کار فشرده و خلاق با موفقیت بکار خود پایان داد. کنفرانس با سرود " ای پرچم دارستمشان " آغاز ویس از یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت خاطره شهدای بخون خفته خلق، رفیق سعید یردان پناه، عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته کردستان سازمان طی سخنان کوتاهی با اشاره به پیشرفت کار سازمان در این بخش به تشریح دستور کار کنفرانس پرداخت. سپس رفیق سهدی، امع سخنگوی سازمان که به دعوت کمیته کردستان در جلسه افتتاحیه کنفرانس شرکت نموده بود، به این امر سخنرانی پرداخت. رفیق در سخنرانی خود به تشریح وضعیت کنونی جنبش و شرایط برگزاری دومین کنفرانس بخش کردستان سازمان پرداخت. وی، رفیق سعید یردان پناه را بعنوان ناظر کمیته مرکزی سازمان در کنفرانس تعیین نمود. به فاصله زمانی

گزارش سیاسی کمیته کردستان به کنفرانس دوم بخش کردستان

کردن خط خود از رژیم بودند و ۱۰۰ مجموعه این شرایط داخلی و بین المللی بحدی برای انقلاب در ایران فراهم بود که می‌توان گفت در کمتر جایی که انقلاب به پیروزی رسیده است درجه حدت و شدت تضادها تا این حد کامل شده باشد.

گزارش کمیته کردستان به کنفرانس دوم، پس از اشاره به فقدان شرایط ذهنی لازم ادامه می‌دهد که:

رفقای عزیز

اگر واقع‌بینانه به مسائل سیاسی چندین ساله گذشته در ایران بنگریم عمیقاً درک خواهیم نمود که یک روی دیگر سکه‌ی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب رژیم خمینی در آن لحظات حساس، دقیقاً یک توطئه داخلی و بین المللی برای نجات رژیم و جلوگیری از رشد و گسترش جنبش انقلابی مسلحانه ایران بود. به مفهوم دیگر این است که محافل و قدرتها و کشورهای امپریالیستی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا و حکومت شدیداً دست راستی ریگان فضای بین المللی را بر جنگ طلبی رژیم خمینی (بخصوص بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت) تنگ نموده بودند، اما در عین حال عمیقاً خواهان نجات همین رژیم و شکست نیروهای مترقی و مردمی ایران بودند و انبساط سودای استحاله رژیم بوده و می‌باشند. بلکه در آن لحظات سرنوشت ساز سریعاً به دادرزیم پوسیده خمینی شتافتند.

رفقا

در اواخر تیرماه ۱۳۶۷ که رژیم خمینی قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. انقلاب ایران با عملی انجام شده رو برو شد و بزودی آتش بی درجه‌ها اعلام می‌شد. در آن شرایط بخصوص سازمان مجاهدین خلق می‌بایست دست روی دست نگذارد و همانطور که انتظار می‌رفت ارتش آزادیبخش ملی ایران، تعرض گسترده‌ای را برای کسب قدرت در منطقه کرمانشاه تحت عنوان عملیات " فروغ جاویدان " آغاز نمود. این عملیات علیرغم نتایج آن، یک حرکت انقلابی و مردمی بود که در همان زمان از طرف سازمان ما مورد حمایت واقع شد.

در همینجا اجازه می‌خواهم به همه شهدای عملیات فروغ جاویدان درود بفرستم و یادشان را گرامی بدارم.

رژیم خمینی که از دست ارتش آزادیبخش ملی ایران سبلی جانانه‌ای خورده بود و اجباراً زهر تلخ صلح را سرکشیده بود، انتقام آنرا از زندانیان مبارز و انقلابی بیدفاع گرفت.

به فاصله زمانی بسیار کمی هزاران نفر از فرزندان دلیر مردم ایران که در بند بودند بدست جلاخان خونخوار رژیم خمینی به چوخته‌های مرگ سپرده شدند. این میزان از کشتار در زندانها از بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ تاکنون سابقه نداشته است. موج این کشتارهای دسته جمعی هم اکنون تیز ادامه دارد. ما بار دیگر کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی از طرف رژیم خمینی را شهیداً محکوم می‌نمایم. با همه زندانیان سیاسی ایران اعلام همبستگی نموده و از همه جریانهای سیاسی داخلی و خارجی می‌خواهیم اقدام زندانیان سیاسی در ایران را محکوم نمایند.

رفقا

رژیم خمینی باید پیش آتش بی و وارد شدن به

رفقا

اجازه می‌خواهم گزارش سیاسی را از برررسی مختصر اوضاع ایران شروع کنم.

مهمترین تحول سیاسی در فاصله چند ساله گذشته در ایران، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از جانب رژیم خمینی می‌باشد. لازم است مختصراً در این باره توضیحاتی ارائه بنمایم.

همچنانکه بارها مندرک شده‌ایم یکی از پایه‌های اساسی ایدئولوژیک - سیاسی رژیم خمینی را صدور انقلاب تشکیل می‌دهد. این امر بمدت زمانی تقریباً دو سال پس از روی کار آمدن رژیم خمینی بشکل جنگ با عراق خود را نشان داده و چاره عملی به خود گرفت. رژیم خمینی برای تحقق " صدور انقلاب اسلامی " اش عراق را مناسب ترین نقطه تشخیص داده بود. به علاوه رژیم خمینی بسیاری از مسائل و مشکلات داخلی را با تشبث به جنگ حل و فصل می‌نمود. بواقع رژیم هستی ضد بشری اش را در تدویم جنگ می‌دید. همچنانکه بارها این امر را از زبان سرگردگانش و مشخما شخص خمینی بیان نموده بود. در این جنگ خانمان بر انداز رژیم خمینی همه سرمایه‌های مالی، انسانی، طبیعی و ... کشورمان را در گرو گذاشته و سرمایه‌ده است. اما رفقا چه شد که این رژیم ضد خلقی پس از هشت سال ادامه و حشیانه جنگ با عراق از تیرماه امسال رسماً قطعنامه صلح شورای امنیت را پذیرا شده و خمینی شد بشر ناچار شد زهر کشنده صلح را سرکشد.

مشخما دو عامل در این رابطه اساسی است. اول شکستهای بی‌پایی رژیم در محنه و جبهه‌های جنگ، که نقطه شروع شمارش معکوس در این رابطه را بابت شکست رژیم خمینی در شبه جزیره فاودانت بعد از این شکست دیگر رژیم خمینی در هیچ نقطه‌ای برای مقابله با تعرض همه جانبه ارتش عراق را نداشت و نه تنها

بجبر شد همه نقاطی را که از سرزمین عراق به اشغال خواهد آورد. بود از دست بدهد، بلکه در بعضی از نقاط نیروهای عراقی تا کامل خاك ایران پیشروی کردند. دوم، اوضاع بین المللی که عمیقاً از این نظر بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه سال ۱۳۶۷ به ضرر جنگ طلبی رژیم خمینی رقم خورده بود.

این دو عامل اساسی به‌عنوان تار و پود مردم از جنگ عدم توان رژیم در بسیج نیرو برای جبهه و ... و اینکه مقاومت انقلابی ایران از تمامی این مسائل دقیقاً و بدرستی استفاده کرده و جنگ انقلابی گسترده‌ای علیه رژیم خمینی سازمان می‌داد.

مجموع این شرایط رژیم خمینی را وادار نمود در منتهای ضعف و زیونی قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرد.

رفقا

به اعتقاد ما از چندماه قبل از پذیرش قطعنامه شورای امنیت از جانب رژیم خمینی و نیز زمانیکه رژیم قطعنامه را پذیرفت شرایط عینی برای انقلاب در ایران کاملاً فراهم شده بود.

فاکتورهای زیر موبد این نظر است: افول اقتصادی، شکست کامل نظامی، تضادها و بحرانهای حاد داخلی حکومت، ناراضی‌نوی‌ها، اوچگیری جنگ انقلابی از سوی مجاهدین خلق ایران و ... در صحنه داخلی ایران، در جنبه بین المللی نیز رژیم در اوج انزوای جهانی بسر می‌برد. بعد از صدور قطعنامه از جانب شورای امنیت مساله تحریم ایران بعنوان عامل ادامه جنگ بصورت مشخص در شورای امنیت مطرح بود. آمریکا با گسترش حضور بی‌سابقه خود در آبهای خلیج فارس فشار را بر روی رژیم برای پذیرش صلح بیشتر می‌نمود. عربستان سعودی روابط خود را با ایران کاملاً قطع نموده بود، متحدان عربی رژیم خمینی با کاملاً از وی دورگشته بودند یا در حال جدا

گزارش سیاسی کمیته کردستان به کنفرانس دوم بخش کردستان

روند مذاکرات صلح، نه تنها نتوانسته است در ای بحرانهای حاد سیاسی - اقتصادی، اجتماعی رادار ایران تخفیف دهد، بلکه برعکس بر ستر شرایط جدید بحرانها هرچه بیشتر تشدید می شود. اکنون دوساله اساسی در برابر سردمداران رژیم وجود دارد، که بحرانها و اختلافات درون حکومتی حول آن شکل گرفته و تشدید می شود. ساله اول "بازسازی کشور" است، البته نه به معنای محدود بازسازی مناطق تخریب شده جنگی، بلکه به معنای اتخاذ یک سیاست اقتصادی جدید و نیز بازسازی ماشین جنگی رژیم - سیاست اقتصادی و اقتصاد کشور تا قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بر محور جنگ کورک شده بود. این سیاست اقتصادی در شرایط کنونی نمی تواند تداوم یابد و باید جای خود را با سیاست جدیدی عوض کند که هنوز سردمداران رژیم نتوانسته اند روی آن توافق حاصل نمایند.

ساله دوم که نمی تواند بی رابطه با ساله اول باشد، ساله رابطه با غرب و خصوصا امپریالیسم امریکا می باشد. اختلافات و تضادهای مابین جناحهای مختلف سپهیم در قدرت بر محور دوساله بالا تاکنون خود را در اعلام استعفاي نخست وزیر و رد آن از طرف خمینی، نامه مشترک رفسنجانی، خامنه ای، موسوی و اردبیلی به خمینی جهت روشن نمودن محسوده ملاحظاتی ایشان در حوزه با سازی کشور و ... نشان داده است.

رفقا

نزدیک به ده سال حاکمیت ننگین ولایت فقیه به خوبی نشان داده است که این رژیم نمی تواند هیچ وجه بحرانهای موجود را حل و فصل نماید. بلکه ماهیت بحران زای این رژیم، همچنان باعث تداوم بحرانهاست. و این ساله بخوبی شرایط سرنگونی رژیم خمینی را باز تولید می نماید.

رفقا

می خواهم باز دیگر به ساله صلح و چشم انداز آن بین ایران و عراق بازگردم. ما بارها گفته و حال تکرار می کنیم که با وجود رژیم ولایت فقیه خمینی صلح پایدار بین ایران و عراق امکان پذیر نیست. برای تحقق یک صلح پایدار راهی جز سرنگونی رژیم خمینی متصور نیست. روند مذاکرات صلح در طی چند ماه گذشته نیز بخوبی نشان داده است که رسیدن به توافق صلح بین ایران و عراق نه تنها سهل و آسان نیست، بلکه بسیار دشوار و پیچیده می باشد.

مذاکرات در سطح کنونی آن به بن بست رسیده و چشم انداز پیشرفتی برایش قابل تصور نیست. رژیم خمینی در تلاش است تا به کمک محافل امپریالیستی و ارتجاعی موقعیت بازنده خود در جبهه ها را در سر میز مذاکرات جبران نماید. هر چند رژیم حاضر است هر گونه امتیازی را در این رابطه با دست و دل بازی پیشکش امپریالیستها و در رأس آنان امریکا بنماید اما بدست آوردن چنین موقعیتی البته از قدرت رژیم خمینی خارج است. بنابراین نباید انتظار داشت که مذاکرات صلح زو به زودی و به آسانی به توافق و نتیجه خواهد رسید و چه بسا که تعهدات کنونی مابین طرفین نیز شکننده و غیر پایدار باشد.

آنچه که بیشتر درباره اوضاع سیاسی ایران متذکر شدم، در کلیت سیمای سیاسی کردستان ایران را نیز تشکیل می دهد. از اینرو در اینجا سعی می کنم جوانب خاص وضعیت سیاسی کردستان را بررسی نمایم. اما قبل از آن لازم می دانم اشاره ای به ساله کرد، بطور عام که مدتی است بشکل کم سابقه ای - چراغ دور سانه های خبری کشورهای غربی حول آن بحث و فحص هایی صورت می گیرد و مباحثه هایی با افراد مختلف در این باره انجام می شود، داشته باشم.

سوال اینجاست که چرا و چگونه است در این شرایط زمانی ساله کرد از رسانه های امپریالیستی طرح می گردد؟

بنظر ما در این رابطه کشورهای امپریالیستی دو هدف مشخص را تعقیب می نمایند. هدف اول که بیشتر جنبه کوتاه مدت دارد فشار بر برخی کشورها برای گرفتن امتیازات بیشتر است. هدف دوم که جنبه استراتژیک تر و دراز مدت دارد از یک طرف تلاشی است جهت ایجاد شرایط ثبات سیاسی - اقتصادی در کشورهایی که با مسئله مبارزه انقلابی توده های ملیت کرد روبرو بوده و اشکال سرکوب عربان و آشکار نظامی دیگر کاربرد خود را از دست داده و از طرف دیگر جلوگیری از رادیکالیزاسیون هر چه بیشتر جنبش های ملی - دموکراتیک کرد و نوعا لبرالیزه کردن این جنبش ها و قراردادن آنان در مقابل طرحها و راه حل هایی که بر چهار چوب منافع کشورهای امپریالیستی می گنجد. البته می توان گفت، هدف دوم تنها به کشورهایی که با مسئله کرد روبرو هستند خلاصه و محدود نمی شود، و تقریبا طرحی است عمومی که تا کنون پروسه هایی از آنرا در برخی کشورهای دیگر نیز مشاهده کرده ایم.

رفقا

جنبش انقلابی مسلحانه خلق کرد در راه آزادی و خودمختاری همچنان پابرجایه حیات خود ادامه می دهد. آتش بس در جبهه های جنگ ایران و عراق نتوانست آتش سلاح پیشمرگان رزمنده خلق کرد را خاموش نماید. در مدت چند ماه گذشته که آتش بس در جنگ ایران و عراق اعلام شده، جنگ در کردستان همچنان تداوم یافته است. این امر بار دیگر موقعیت حساس و برجسته کردستان و اهمیت آن برای انقلاب ایران در مجموع خود را نشان می دهد. ما عمیقا فکرمی کنیم که در موقعیت فعلی باید با تمام توان و نیرو جنبش مسلحانه خلق کرد را تقویت نموده و گسترش داد. رژیم ضد خلقی خمینی که بخوبی به اهمیت جنبش ملی - دموکراتیک خلق کرد واقف است همزمان با آتش بس، نیروهای سرکوبگر خود در کردستان را هر چه بیشتر تقویت نموده و همچنان نیروی تازه نفسی راهی منطقه کردستان می نماید. در این مدت بشکل بی سابقه ای سردمداران رژیم از رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس مجلس گرفته تا مزدوران رده باشین تر در شهرهای مختلف کردستان به جوله پرداخته اند تا به ارزیابی اوضاع و خم خود در کردستان بپردازند. متأسفانه در چنین اوضاع حساسی که لازمه آن فشرده گی و اتحاد عمل مابین جریانات فعال و شرکت

کننده در جنبش کردستان می باشد، جناح رفرمیست این جنبش (طرفداران کنگره هشتم) هر روز معضلات و موانع بیشتری سر راه پیشروی جنبش ملی - دموکراتیک خلق کرد، قرار می دهند.

جناح رفرمیست جنبش ملی دموکراتیک کردستان که در سوادای قرار گرفتن و به بازی گرفته شدن در روند به اصطلاح استحاله رژیم خمینی توسط نیروهای بین المللی امپریالیستی و عوامل داخلی همچنان به جنگ چندساله با کومله ادامه داده و اسال نیز آتش جنگ با رهبری انقلابی حزب دمکرات را برافروخت. آنچنانکه پیداست رهبری طرفدار کنگره هشتم مصمم است که نه تنها آتش جنگ داخلی در کردستان را بسا دولتیرویی سهم این جنبش یعنی رهبری انقلابی و کومله همچنان شعله ور نگذارد، بلکه تا جائیکه برای اش امکان پذیر است آنرا به سایر نیروهای مترقیسی و انقلابی نیز سرایت دهد.

سابقا دیگر و از اینجا رهبری طرفدار کنگره هشتم را به دست کشیدن از ادامه این مواضع ارتجاعی و متضاد با منافع جنبش ملی - دموکراتیک خلق کرد فرا می خوانیم. ما خواهان آن هستیم که طرفداران کنگره هشتم هر چه زودتر آتش بس پذیرفته شده از جانب کومله را قبول نموده و نیز از تهدید، اقدام، خلع سلاح و مانع ایجاد کردن برسند. فعالیت نیروهای رهبری انقلابی حزب دمکرات دست بکشند.

رفقا

اعلام آتش بس از جانب رهبری انقلابی حزب دمکرات، بعد از انشعاب از طرفداران کنگره هشتم با کومله و جواب مثبت این سازمان به درخواست آتش بس، یک گام بسیار مثبت برای جنبش انقلابی خلق کرد بود که از طرف ما کاملا مورد حمایت قرار می گیرد.

ما مطمئن هستیم که جنبش انقلابی خلق کرد در مسیر تداوم خود همه موانع اساسی که بر سر راه دست یافتن به آزادی و خودمختاریست کنار خواهد زد و سر انجام پیروزی از آن رزمندگانی است که با افتخار و از خود گذشتگی مسیر تکامل انقلابی را اختیار نموده اند. ما دارد به همه شهدای پیشمرگ کردستان درود بفرستیم و خاطره شان را گرامی بداریم.

قطعه نامه درباره تغییر و تحولات

در کردستان

نظر به تغییر و تحولات اخیر در رابطه با ساله کرد و نیز اهمیت جنبش ملی دموکراتیک ملیت کرد در خاور میانه، کنفرانس دوم بخش کردستان روش ارزیابی و موضع خود را در این باره چنین جمع بندی می نماید:

۱- ملیت کرد در اسال ملیت واحدی است که در طی دو مرحله یکی در جنگ جالداران در سال ۱۵۱۴ بین ایران و عثمانی و دیگری بعد از جنگ جهانی اول و انحلال دولت عثمانی و تشکیل دول عراق، ترکیه، سوریه تقسیم شده است. شرایط زندگی این ملیت تحت ستم در کشورهای مختلف تا نامعلوم بسیار استوار و عقب مانده است. بطوریکه تقریبا از همه امکانات زندگی جامعه امروزی محروم است.

قطعنامه درباره تغییر و تحولات در کردستان

۲- مبارزه ملیت کرد در راه کسب حق تعیین سرنوشت، مبارزه ایست بر حق و عادلانه که از طرف سازمان ما به رسمیت شناخته می شود. این مبارزه که عموماً به شکل مبارزه مسلحانه و توده های تجلی می یابد جزئی از مبارزه ملی تحت ستم در راه رهایی خود محسوب شده و از اجزای انکارناپذیر روند عمومی انقلاب جهانی است.

۳- جنبش مسلحانه کرد در خاورمیانه از نقشش برجسته و بسیار حساس برخوردار است که ذهن ضد انقلاب بین المللی و خصوصاً کشورهای قدرتمند امپریالیستی و در رأس آنان آمریکا را بخود مشغول داشته است.

تلاش محافل امپریالیستی برای این است که ضمن تلاش در جهت تحقق و استراتژی خود مبنی بر ایجاد ثبات سیاسی - اقتصادی بیشتر در کشورهای عقب سب مانده ای که راه حلهای سرکوب عربان و آشکار کاراخی خود را در خفه کردن انقلاب از دست داده است، مبارزه خلق کرد را از مبارزه کارگران و زحمتکش آن کشور جدا نموده، رهبری جنبش های مسلحانه خلق کرد را در مقابل طرح های امپریالیستی قرار داده و مسازرات ملیت کرد در بخش های مختلف راه حرکتی رفرمیستی استحاله نماید.

تبدیلات چند ماهه گذشته محافل غربی و بخصوص آمریکا در رابطه با مساله کرد (جدا از اهداف کوتاه مدت آن) را باید دقیقاً برای این مساله تحلیل کرد.

۴- تجارز مبارزات طولانی ملیت کرد در امرهای ملی بخوبی نشان داده است که هر بخش از ملیت کرد که برای کسب حق تعیین سرنوشت مبارزه می نماید، تنها در اتحاد و همبستگی با جنبش سراسری توده های مردم آن کشور به پیروزی دست خواهد یافت. از اینرو تلاش بعضی از جریانات و افراد کرد در جدا کردن مبارزه مردم کرد از جنبش سراسری کشوری که در آن بخشی از ملیت کرد زندگی میکنند، نه تنها هیچ چشم انداز روشنی ندارد بلکه به شکست منتهی خواهد شد.

۵- مبارزه ملیت کرد در کردستان ایران بخش جدایی ناپذیر از مبارزه سراسری کارگران و زحمتکش ایران است برای سرنگونی رژیم خمینی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق که در آن ملیت کرد به حق تعیین سرنوشت خود دست خواهد یافت و به هر شکلی که خود صلاح ببیند مسیر سرنوشت خود را رقم خواهد زد. که از نظر ما بهترین شکل آن خودمختاری وسیع منطقه ایست که در طی نیم قرن گذشته ملیت کسرد و نیروهای سیاسی آن در ایران برای آن مبارزه کرده و می کنند.

کنفرانس دوم بخش کردستان

۶۷/۸/۱۳

قطعنامه درباره انشعاب در حزب دمکرات کردستان ایران

۱- حزب دمکرات کردستان ایران که در یک دهه اخیر بعنوان حزب جنبش ملی عمل کرده است، بعد از

سخنرانی رفیق مهدی سامح

توضیح نبرد خلق:

سخنرانی فوق در تاریخ ۶۷/۸/۱۳ در یکی از پایگاه های سازمان در نواز مرزی ایران و عراق صورت گرفته و ما در خلد امکان آنرا از حالت گفتاری بصورت نوشتاری درآوردیم و نیز مقداری از آنرا خلاصه کردیم. با اجازه رفقا

و با یاد شهدای بخون خفته ی خلق

من از اینکه رفقای این بخش و هیئت اجرایی کمیته کردستان من را دعوت کردند که در کنفرانس شرکت کنم تشکر می کنم. البته هیئت اجرایی کمیته کردستان از دیگر رفقای کمیته مرکزی هم دعوت کرده بود که در این کنفرانس شرکت کنند که طبیعاً بعلافت کاری که رفقا داشتند نمی توانستند شرکت کنند. خود رفیق سعید این جا هستند هم بعنوان مسئول کمیته کردستان هم از طرف کمیته مرکزی بعنوان ناظر بر جریان کار این کنفرانس. امیدوارم که این کنفرانس در کار خودش موفق باشد. من برگزاری آن را به رفقا تبریک می گویم. می دانید که ما اون موقع هم که توی اقلیت بودیم این روش دمکراتیک را اینجا رعایت می کردیم. امروز صبح که داشتم می آمدم اینجا برای شرکت در این کنفرانس یاد خیلی از چهره ها افتادم. جای آنها خیلی خالی است. اونهایی که در کنفرانس اسفند ۶۰ و کنفرانس آبان ۶۱ بودند. در آن شرایط که

کنگره هفتم این حزب در بهمن ماه گذشته و اعلام موجودیت رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران در اول فروردین ماه امسال با انشعابی بزرگ روبرو شده است.

۲- این انشعاب در وطن بوقوع پیوست که رهبری وقت حزب دمکرات کردستان ایران در کنگره هفتم آن حزب با تصویب "سوسیالیسم دمکراتیک" بعنوان ایدئولوژی رسمیت یافته سوسیال دمکراسی و نیز از نظر سیاسی با اتخاذ خط قرار گرفتن در روند استحاله رژیم به کمک عوامل بین المللی امپریالیستی و کوشش جهت سازش و سودا با لیبرالهای میانه باز، همچنین مذاکره با رژیم خمینی و ادامه جنگ با کومله، تعرض ایدئولوژیک - سیاسی خود را جهت غلبه قطعی بر حزب دمکرات آغاز کرده بود. کنگره هفتم می بایست "دستاورد های" - ایدئولوژیک - سیاسی رهبری وقت حزب دمکرات را از جنبه تشکیلاتی نیز بایدکدست کردن رهبری حزب و در اختیار گرفتن تمامی ارگانهای تصمیم گیرنده و تصفیه مخالفان، تثبیت نماید.

۳- این انشعاب از نظر سیاسی بنابر جدائی جناح رفرمیست حزب دمکرات یعنی طرفداران کنگره هفتم از صف حزب جنبش ملی می باشد.

۴- حزب دمکرات کردستان ایران رهبری انقلابی، جناح چپ جنبش ملی را نمایندگی می کند که در تلاش است موقعیت گذشته حزب دمکرات را بعنوان حزب جنبش ملی همچنان حفظ نماید.

۵- ما خواهان تقویت، همکاری و اشتراک ساعی هر چه گسترده تر با رهبری انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران هستیم. اشکال تحقق این خواسته در هر شرایطی بسته به امکانات، نوع روابط، توان و همکاری متقابل است.

کنفرانس دوم بخش کردستان

۶۷/۸/۱۳

ما در اقلیت فعال بودیم و کار می کردیم کنفرانسهایی برای پی ریزی یک مبنای تئوریک انقلابی و بسط تشکیلات انقلابی تشکیل می دادیم، رفقای زیادی بودند که اکنون نیستند و با افتخار شهید شدند. رفقای مثل سیروس، جواد، انور، سمنو، سعید، علی، حسن و بسیاری دیگر از رفقا مثل امیر و صلاح. بهر حال اکنون ما برای ادامه راه آنها تلاش می کنیم. اگر بزرگواریم به عقب، آن روزهای سخت که شروع کردیم تا امروز می بینیم که یک راه طولانی را طی کرده ایم. بیاد بیابورد وقتی که ما با تمام وجود توی تشکیلات آن موقع اقلیت کار می کردیم آدمهای تپیکاری مثل توکل و زهری برای در هم شکستن تشکیلات توطئه می کردند. بعد کارشون به فاجعه گاپیلون کشید. بعد هم با جریانهای استعماری و امپریالیستی در اروپا علیه مقاومت انقلابی توطئه کردند. بعد هم هر کسدام به اجزا، خودشان تجربه شدند. رفیق سعید خوب گفت که، آنها برای یک روزی می خواستند مانع کار ما بشن اکنون کجا هستند. شنیدم که جریان شورای عالی و باند تپیکار توکل تصمیم دارند به اصطلاح وحدت کنند. انگار که فقط تعدادی انسان در این رابطه اضافه بودند که باید از بین می رفتند. پنج نفر باید در گاپیلون قربانی می شدند. دو نفر در توطئه درونی باید قربانی می شدند. دو نفر در جریانات مربوط به ماجراهای که بعدها در این جا برای آنها پیش آمد باید قربانی می شدند. این سرنوشت آنها بود و این هم ما هستیم. بهر حال بخاطر این هست که می گویم موفقیت های رفقا در این مدت کوتاه جای تبریک دارد. برای اینکه در تپیکار واقعی و مادی پدیدمان ها را بطور نسبی و مشروط باید سنجید. نمیتوان پدیده ها را خارج از زمان و مکان خودش بررسی کرد. حال ما که بتدریج ارگانها و نهاد های تشکیلاتی را می خدیم، ابزارهایی برای یک مناسبات دمکراتیک درونی بوجود آوریم را مقایسه بکنیم با باندهای تپیکاری که از درون اقلیت بیرون زد. البته کمبودهای ما زیاد بود. یک چنین کنفرانسهایی و جلسات متعدد مسئولین و جلسات کمیته مرکزی و امیدوارم یک روزی هم جلسات بزرگتر سازمان بتواند به مشکلات و کمبود های ما رسیدگی کند. بهر حال ما برخلاف اون شعر و شعارهایی که در مورد دمکراسی درون تشکیلاتی می دانند، بتدریج یک راهی را طی کردیم و باز هم طی می کنیم برای اینکه اراده توده های تشکیلاتی هر چه بیشتر به رسمیت شناخته شود.

بهر حال وقتی من برای صحبت در اینجا خودم را آماده می کردم، گذشته را مرور می کردم، بیکار دیگر این سوال برایم مطرح شد که آن رفقای که با ما بودند و شهید شدند، چرا شهید شدند؟ اصلاً چرا مبارزه کردند؟ اگر سابه این مساله جواب درست بدهیم راه آنها را باز سازی می کنیم و ضمناً جواب می دهیم که چرا اینجا نشسته ایم؟ واقعیت این است که با یک عقل صلحت اندیش، بایک عقل تجارت پیشه با بنا یک تئوری پوسیده، حالا هر چند رنگ و روی به اصطلاح علمی داشته باشد، نمیشود این مساله را توضیح داد، بخصوص نمیشود قداکاری نسل بشماران فدایی را توضیح داد. چون حقیقتاً این نسل بشماران از سر - جسته ترین بچه های جامعه ایران بودند. باید بخصوص ما بعنوان آدمهایی که ماتریالیست هستیم و از جهان

سخنرانی رفیق مهدی سام

ببینی ماتریالیزم دیالکتیک... دفاع می‌کنیم ببینیم چرا آنها مبارزه کردند؟ و آیا اکنون آنها هم... تبکاری مثل توکل و زهری یا جریانهایی فرصت طلب و سازش کار و بزدل و ترسوی دیگر هر جا که مبارزه هست می‌خواهند خاکستر و خاک روی آن می‌ریزند و آن را نا دیده بگیرند. ما باید به این سوال جواب دهیم که آیا خون قهرمانان می‌پوشد بر زمین ریخته شده و با آنها به حق در راه آرمانهایشان و برای رهایی محرومان و ستمدیدگان مبارزه کردند و شهادت رسیدند. چه رابطه‌ای بین یک عقل انقلابی، یک اندیشه انقلابی و یک عشق انقلابی که راه به وجود فردی می‌برد، وجود دارد؟ چه رابطه‌ای بین مغز و قلب، بین تئوری و پراتیک، بین سوسیالیسم و پرولتاریا وجود دارد؟ اگر این را جواب بدهیم می‌فهمیم و قبول می‌کنیم و برآمون بصورت یک امر مهمی درمی‌آید که آنهایی که جان باختند زنده اند، چون حقیقا راهشون ادامه داره. البته متأسفانه خودشون اکنون میان ما نیستند ولی عشقشون، ایمانشون، شورشون را در هر قدم در تئوری و پراتیک خودمان بازسازی می‌کنیم. ما تئوریهای کج و معوج و غلط مبارزه می‌کنیم چرا؟ برای اینکه می‌خواهیم از راه شهادت فدایی دفاع کنیم. از آرمان آنان دفاع کنیم اگر یکی بگوید مارکسیسم فقط علم است ما قبول نمی‌کنیم. زیرا مارکسیسم شور هم است. چون اگر شور هم نباشد نمی‌شود ادامه داد. یکی می‌گوید فقط باید اندیشه داشت، قلب نداشت، عشق نداشت، عاطفه نداشت، آیا این درست است یا نه؟ بعضی‌ها هم بودند حرفهای سطحی تری می‌زدند. می‌گفتند انقلابی کسی است که خانواده‌اش را دوست نداشته باشد، ولی در مقابل این برخورد های غلط، برخورد درست ایجاد یک رابطه دیالکتیکی بین اینهاست بر اساس این درک اگر از من بپرسند به مغزت گوش می‌کنی یا قلبت، تئوری را اصل می‌گیری یا پراتیک را، به سوسیالیسم فکر می‌کنی یا به پرولتاریا؟ می‌گویم به آن عقلی فکر می‌کنم که ره به قلب می‌برد، به آن سوسیالیسمی فکر می‌کنم که راه به برای پرولتاریا رها می‌برد، و به آن تئوری فکر می‌کنم که راه به پراتیک می‌برد. در فکر اینصورت بنظر من هم عقل بوجه، هم تئوری بوجه و هم سوسیالیسم بوجه و این را باید بی تعارف گفت. اگر عقلی به قلب و به عشق راه نبرد، اگر سوسیالیسمی به پرولتاریا راه نبرد و اگر تئوری به پراتیک راه نبرد، اگر فقط نوشتن، حرف زدن، ادعاهای توخالی کردن مسئله حل نکردن مطرح باشد هیچ چیز، هیچ چیزی تغییر نخواهد کرد. پس وقتی می‌خواهیم چیزی را تغییر دهیم، داریم خودمان را تغییر می‌دهیم و اگر قرار است جامعه را درگرسون کنیم، در چهارچوب اجباری بودن این تغییر، عامل "اختیار" یعنی جبر آگاهانه وارد می‌شود و اینجاست که فرد برای تغییر "هستی" از "هستی" خود مایه می‌گذارد و این عماره و جوهر کاریست که شهادت کردند و بر این اساس من، رفقای قبلی خودمان را که مبارزه کردند و جان باختند را در جمع خودمان احساس می‌کنم. و چون برای تئوری و سوسیالیسم بطور مجرد مطرح نیست از آنهایی که بخاطر اینکه عده‌ای می‌روند مبارزه می‌کنند و شهادت می‌رسند در مقرشان

شادمانی می‌کنند. هر چند که مدعی سوسیالیسم آتش باشند و در انفعال کامل اسم خودشان را راه کارگر بگذارند، متنفرم. وقتی نشریه آنها را ورق می‌زنی می‌بینی چندین و چند صفحه را سیاه می‌کنند گسه بگویند مبارزه شکست خورد، حرف منفعلانه راه کارگری این است که مجاهدین رفتند با جمهوری اسلامی جنگیدند و شکست خوردند و ما هم نشتیم اینجا سر جای خودمان، چون اسممان راه کارگر است و چون لاف و کزاف می‌زدیم پیروز شدیم. ببینید این عقلی است، این تئوری است که اینها از آن دفاع می‌کنند و توجیه هم می‌کنند که دیگران هم بیایند به این تئوری بایند باشند. خوب البته اگر نسل مقاومت هم به این تئوری گوش می‌داد ممکن بود سائلی برایشان حل شود، ولی دیگر نیروی مقاومت انسانهایی زنده، پویا، پرشور، فداکار و معتزاز همه مسئله حل کن یعنی اهل انقلاب کردن نبودند. عده‌ای انسان بی روح، بدون عشق، بدون شور بودند. پس باید به این منفعلین و رشکسته گفت، به ما و به آن کسانی که راه مبارزه بروی می‌گزینند در این راه هستی خودشان و گرانبهارترین چیز یعنی جان خودشان را می‌بندند می‌گذارند. تئوری یاد ندهید و بخصوص درس سوسیالیسم ندهید، چون ایده‌های شما ضد سوسیالیستی است. چون راه به مبارزه، به پراتیک انقلابی نمی‌برد. وقتی از لنین می‌پرسند که جمله آزادی درک ضرورت است یعنی چه؟ جواب می‌دهد یعنی گذار از تئوری به پراتیک. حالا آنهایی که تئوریهایشان، اندیشه‌هایشان راه انفعال می‌برد، طبیعا ضرورت را درک نمی‌کنند و طبیعا به فلسفه عدم درک ضرورت انسانهای آزادی نیستند و بنا بر این درجا می‌زنند و می‌پوسند، به یک معنی وقتی تئوری واقعیت را تغییر ندهد و اصلا اراده نکند که واقعیت را تغییر بدهد، چون این تئوری انقلابی نیست. آن کسانی هم که مدافع این تئوریها هستند انقلابی نیستند.

اما در مورد شرایط کنونی همانطوری که رفقا اطلاع دارید در گزارشات تشکیلاتی هم حتما مطالعه کرده‌اید مدت کوتاهی قبل از قبول قطعنامه ۵۹۸ از طرف رژیم خمینی، کمیته مرکزی سازمان جلسه داشت. دستورکار نشست هم، جمع بندی کار سیاسی و تشکیلاتی سازمان بود. قبلا هم در درون تشکیلات نظر خواهی شده بود. رفقای تشکیلات نقطه نظرات خود را ارائه داده بودند و رفقای کمیته مرکزی با فرصت کافی نظرات رفقا را مطالعه کردند و بطور نسبی در فضای نظرات کل تشکیلات قرار گرفتند و مسائل مختلف را بررسی کردند. من این جا تصمیم دارم به دو نکته از گزارش سیاسی مصوب کمیته مرکزی اشاره و تأکید کنم. یکی تغییراتی است که در سطح جهانی بوجود آمده و ادامه دارد. ما در این باره گفته‌ایم که یک دوران جدیدی در مناسبات دوقدرت بزرگ، دوپل سوک مهم جهانی بوجود آمده و این دوران، دورانی است که مشخصه اصلی اش تشنج زدائی در مناسبات بین دوقدرت بزرگ جهانی است. اکنون هم می‌بینیم که این پروسه علیرغم ریزه زارها ادامه دارد. در مورد دلالتش تا کنون در نشریه نمرد خلق مقالاتی هم نوشته شده است. در مورد چنین وضعی نمیشود یک حکم قطعی داد و گفت که بسود جنبش های انقلابی است یا به ضرر آن. بستگی به ماهیت و عملکرد نیروهایی که

در جریان این رویدادها قرار می‌گیرند نتایج آن مشخص می‌شود. اما از نظر عینی و مادی رفع تشنج در سطح جهانی زمینه مناسبی برای حرکت یک نیروی انقلابی و مستقل را فراهم می‌کند. البته برای آن نیروی انقلابی که فقط عادت نکرده باشد که بین شکافها زندگی کند. بعنوان مثال جنگ ایران و عراق را در نظر بگیرند نیروهای انقلابی ایران از این شرایط جنگی برای سرنگون کردن دولت خودی یعنی برای سرنگون کردن رژیم خمینی استفاده آگاهانه کردند ولی اگر تمام هستی ما به این تضاد بند شود، و بخصوص نتوانیم انعطافات لازم را در جریان تغییراتی که صورت می‌گیرد نشان بدهیم، یعنی عادت نکنیم که فقط توی شکافها زندگی نکنیم، وقتی یک جنبش شکافهایی از بین می‌رود ما مبارزم و نابود می‌شویم. ولی اگر نیروی انقلابی آمادگی لازم را داشته باشد و بتواند خودش را برای شرایط مختلف آماده کند، خلقی برخورد کند، می‌تواند از تغییر شرایط هم سود ببرد. بخصوص در این دوره که پایان جنگ و تحقق صلح کاملا بسود مردم و انقلاب است. ما تا کنون از قطع جنگ و تحقق صلح دفاع کردیم باز هم دفاع می‌کنیم پایان جنگ به سود جنبش انقلابی است با وجود اینکه ما اکنون در حاشیه مرز ایران و عراق نشسته‌ایم و ظاهرا قطع جنگ بر ما لطمه وارد می‌کند اما باز هم قاطعانه از قطع جنگ و تحقق صلح دفاع می‌کنیم چون جای اصلی ما میان مردم است و غیر از میان مردم ایران ما هیچ جای ثابتی نداریم. بدین جهت است که در این شرایط ما هم از رفع تشنج در سطح جهانی استقبال می‌کنیم و هم از قطع کامل جنگ ایران و عراق. این مسائلی که در جهان اتفاق می‌افتد، فشاری که برای غیر میلیتاریست کردن جهان از طرف نیروهای صلح و ترقی صورت می‌گیرد، یک امر مثبت است و به جنبش های انقلابی

می‌تواند کمک کند. اینکه جنبش های انقلابی

از این وضع استفاده کند یا نه؟ مسئله دیگری است که به ظرفیت نیروی انقلابی بستگی دارد. نکته دیگری که مادر گزارش سیاسی به آن پرداختیم شرایط شخص آن مقطع از جاسعه ما بود. قسمت پایانی این گزارش، این شرایط را بطور خلاصه جمع بندی کرده که من آنرا می‌خوانم تا مشخص شود که ما قبل از قبول قطعنامه از طرف رژیم، چگونه فکر می‌کردیم. در این جمع بندی می‌خوانیم که:

بطور خلاصه میتوان این دوران را، دوران قبل از قیام نامید. دورانی که نشاد های داخلی رژیم بشدت خاد شده و رژیم برای مهار کردن این نشادها مجبور به زبریا گذاشتن عملی نهادهای ولایت فقیه شده است. و این شکل حکومتی را به سطح ولایت فقیه ارتقا داده و خمینی علنا و عملا وارد صحنه نشادها گشته و سرای جلوگیری از برخورد حاد بین جناحهای مختلف حکومت که به نحوه فیزیکی هر چه بیشتر آنها انجامسد مجبور به دخالت روزمره گشته است. در حالی که جنگ به سن بست کامل رسیده و رژیم از این لحاظ تحت فشار های داخلی و بین المللی قرار دارد. در حالی که توده های مردم هر چه بیشتر ناراضی و از رژیم متنفر هستند، فقدان حدیث های خود بخودی مودمی متناسب با سطح فعلی نشادها عمیق دیکتاتور ی و سرکوب و بسته بودن جاسعه را نشان می‌دهد. بدین لحاظ پیشرفت آتی جنبش

سخنرانی رفیق مهدی سامع

انقلابی سراسری منوط به آن است که این جنبش بتواند نیروهای اجتماعی را به صحنه نبرد مسلحانه بکشد، تلاشهای سیاسی - نظامی - تشکیلاتی ما باید به حل این مسئله جنبش مقاومت کمک نماید. اکنون که ما از نظر سیاسی به نیرویی تبدیل شده ایم که مورد توجه دوستان مقاومت و مورد کینه دشمنان خلق و اپوزیونیست های بزدل و سکتاریستها قرار گرفته ایم، باید برای مدافعه هر چه جدی تر در مسائل جنبش خود را آماده نمایشیم. تدابیر واقع بینانه و انقلابی می تواند راهگشای حل مسائل و معضلات جنبش باشد و بدین لحاظ باید با جدیت به مشکلات جنبش بپردازیم و با شیوه های اصولی برای حل آنها اقدام نمائیم و به میزان توانایی خود نقش خود را ایفا نمائیم. دوران انقلابی کنونی می تواند به یک قیام پیرومند تبدیل شود. رژیم - نهضت و رشکستگسی و شکست قرار دارد. مردم ناراضی و جان به لب آمده را باید به جنبش فعال دعوت نمود. برای سرنگونی رژیم مطلقه ولایت فقیه باید بدرهم شکستن نیروهای سرکوبگر و جنگ افروز این رژیم از طریق مبارزه مسلحانه توده های اقدام نمود و این راهی است که باید هر چه بیشتر برای آن آماده شد و در راه آن گام برداشت. این جمع بندی مباحث سیاسی کمیته مرکزی سازمان در مورد شرایط داخلی است. تاریخ آن هم ۱۸ تیرماه ۶۷ یعنی ۸ روز قبل از قبول قطعنامه از طرف رژیم خمینی است. اگر به همین قسمت که خواندم توجه کنیم خطوط اصلی آن چیزی که بعد از هم پیش آمد، صرف نظر از اینکه زمان قابل پیش بینی حداقل برای من نبود، ترسیم شده است.

در آن شرایط، ما اینگونه فکر می کردیم. حالا ما چگونه فکر می کنیم؟ نظر کنونی ما اینست که جنگ قطع شده و ما در حالت نه جنگ و نه صلح هستیم. این شرایط می تواند به یک صلح موقت تبدیل شود. بدون وجود رژیم خمینی مستر است، تبدیل شود. می تواند به یک صلح و رستگاری نیافته تبدیل شود. اگر از اشکال بینابینی و شکستن احتمالی و محدود آتش بس و حوادث جزئی در مسیر رویدادها بگذریم، خلعت مرحله کنونی، حالت نه جنگ و نه صلح است. البته همانطور که گفتیم صلح دمکراتیک و پایدار با وجود رژیم خمینی، غیر نیست. تجربیات چند ده سال هم نشان داده که هر حکومت ضد دمکراتیک و ضد خلقی در جامعه ما، بعلمت ملاحظه و منافع خود انقلابی که طبقه حاکمه در اعمال هژمونی در منطقه دارد، مجبور است همسوزی هایی با امثال داشته باشد و بنابراین بنحوی باید در مقابل اعراب قرار گیرد. یکی از مسائل مهمی که می تواند در منطقه خاور میانه بسوزد جنبش انقلابی توده ها باشد و اگر حمل بر مبالغه نشود، مهم ترین مساله اینست که یک حاکمیت دمکراتیک و غیر شوینیست در ایران مستقر شود. حاکمیتی که ضمن دفاع از منافع ملی مردم ایران، حقوق خلقهای منطقه را به رسمیت بشناسد و بتواند در جهت حل دمکراتیک مناسبات خودش با خلقهای منطقه حرکت بکند و گزینه این منطقه کماکان بسک کانون پرازنشاد و تشنج خواهد بود. وقتی بیش از ۶۰

در صد دوازدهم نفتی جهان در منطقه خلیج فارس است، طبعاً امپریالیسم و ارتجاع جهانی، کوشش میکنند تا با این گنجینه اختلافات ملی، قومی و مذهبی و دامن زدن به آن، به یک شوینیسمی دامن بزنند و خلقهای این منطقه را بجان هم بیندازند و بعد هم آنها را تجارت کنند. یک روز با جنگ، یک روز هم با اصطلاح بازسازی و بنابراین بهترین حالت برای خلقهای منطقه این است که این شرایط بیک صلح دمکراتیک عادلانه تبدیل شود. همانطور که گفتیم این نمی تواند تحقق یابد، مگر با سرنگونی رژیم خمینی و استقرار یک حاکمیت دمکراتیک در ایران. یک حالت هم ادامه چنین وضعی است. البته این برای رژیم خمینی مطلوب است، ولی نه بسود مردم ایران است. البته به سود مردم عراق و نه بسود خلقهای منطقه. این حالت گذار در جنگ و در صلح، در مورد موجودیت رژیم خمینی هم بنحوی عمل می کند. رژیم خمینی مدت زمان طولانی نمی تواند به همین وضع ادامه دهد. چون همانطور که گفتیم و در گزارش سیاسی کمیته مرکزی هم اشاره شده، حکومت ولایت فقیه خودش دانه های خودش را می خورد و نابود می کند. وقتی جنگ که یک پایه مهم این حکومت بود، در ماسیم آن نبود و همانطور که خمینی گفته بود، برای رژیمش مرحمت بود، وقتی یک حکومت توسعه طلب، یک حکومت مستبد مذهبی، حکومتی که می خواهد یک امپراطوری اسلامی در منطقه درست کند، حکومتی که می خواهد بحران های لا علاج خود را مداخله کند، وقتی جنبش حکومتی دیگر نمی تواند به جنگ ادامه دهد، پس سیستم آن، یعنی سیستم ولایت فقیه شکاف بسیار مهمی برداشته است. یعنی شاه ولایت فقیه شکسته. رژیم مثل کالبد بدون روح شده و بهر حال ولایت فقیه دیگر نمی تواند به شکل گذشته به حیات خود ادامه دهد. بنابراین از طریق یک نیروی انقلابی سرنگون شود. ما باید تغییراتی در جهت قرار گرفتن در مدار امپریالیستی در آن بوجود بیاییم. یعنی در آن یک استحاله امپریالیستی البته با نابودی فیزیکی مقاومت انقلابی، در آن بوجود بیاید. من معتقدم اگر یک چنین تغییری بخواهد اتفاق بیفتد، نقطه کلیدی و محور تغییر در دوران رژیم اینست که حزب الله و در رأس آن سپاه پاسداران منحل شود. یعنی در یک چنین نقطه کلیدی ما می توانیم بگوئیم چنین امری تحقق پذیرفته است. البته آنهاست که در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی برای چنین استحاله ای تلاش می کنند، برای انحلال سپاه هم تلاش می کنند. اما چنین امری برای رژیم بخصوص در شرایط وجود نیروهای مسلح مقاومت، یک امر بسیار مشکل است و سادگی میسر نیست. اگر کسی بپرسد که بر فرض حال، با فرضی که درصد کمی بر تحقق آن وجود دارد، بخواهد چنین پروژه ای تحقق یابد، چه تغییراتی باید صورت بپذیرد؟ من می گویم این تغییرات نمی تواند از مسائل اقتصادی شروع شود. یعنی آنهاست که در تحلیل های خودشان، فکر میکنند باید تغییرات اقتصادی میشود چنین امری صورت گیرد. سلا اشتباه می کنند. چون در یک چنین دورانی، اولین و مهم ترین مساله ای که باید حل شود، مساله قدرت است. شکل کنونی قدرت که یک سازش بین جناحهای مختلف درون رژیم ولایت فقیه است، برای چنین تحولی مناسب نیست. اگر ما از من

بپرسند، بین وجود خمینی و سپاه پاسداران، کدامیک برای مخالفت از چنین تغییری کلیدی تر است؟ من باز خواهم گفت، نقطه کلیدی سپاه پاسداران است. چون خمینی با نوشیدن جام زهر، در واقع یک گام مهم در سراسیم سقوط رژیم و خودش برداشت. بهر حال با وجود ابزارها و نهادهای ولایت فقیه، چنین امری تحقق نخواهد پذیرفت. آتاری قرون وسطایی رژیم، اجازه چنین تحولی را نمی دهد. همانطور که وقتی رفیق امپریالیستی در رژیم شاه می خواست صورت گیرد، یعنی امپریالیسم امریکا می خواست مناسبات اقتصادی ایران را در جهت منافع خود سازمان دهد، باید فتوادالیم و نهادهای وابسته بدان از زمین می رفت. پس حاکمیت خمینی با بارهبری انقلابی در یک جنبش انقلابی و بوسیله نیروی اجتماعی مردم شهرها در یک قیام وسیع مردمی سرنگون می شود و ما در مدار استحاله امپریالیستی قرار می گیریم. هر کدام از این حالتها شرایط خاص خودش را می طلبد. ما بعنوان یک نیروی انقلابی، با شناختی که از حکومت خمینی داریم، با شناختی که از نیروهای پرچوش و خروش جامعه خودمان داریم، با شناختی که از تضادهای درون رژیم داریم، معتقدیم که این رژیم بوسیله نیروهای انقلاب سرنگون می شود. اما در حالت دوم، خمینی که جام زهر را نوشیده، باید جامهای زهر دیگری هم بسود آن کسانی که خمینی آبروش را با آنها معامله کرد بنوشد.

یعنی بسود امپریالیستها. با زهر مقب نشینی هایی انجام دهد. البته اگر این مسیر هم طی شود، جنبش انقلابی بشرط اینکه از خود هشاری نشان دهد، شرایط را خوب درک کند و روی تضادهای واقعا موجود و مشخص سرمایه گذاری کند، باز هم موفق خواهد شد که رژیم خمینی را سرنگون کند.

اما در شرایط کنونی باید وضعیت جنبش مردم هم مورد بحث قرار گیرد. همانطور که در گزارش سیاسی کمیته مرکزی سازمان هم گفته شده، بسک اختلاف فاحش بین سطح فعلی جنبش توده های و شدت تضادهای عینا موجود جامعه وجود دارد. در این جای شکی نیست که اکنون تضادهای عینی، شرایط عینی انقلاب از سال ۵۷ به مراتب و سمراتب آماده تر است. در شرایط کنونی هم توده ها فقیرتر شده اند، جیبیب هایشان خالی شده است، هم فشار و سرکوب بیشتر شده و هم بطور روزمره حتی در زندگی خصوصی شان تحت فشار هستند. اما جنبش توده های متناسب با این سطح تضادها وجود ندارد. در رابطه با علت این امر و چگونگی کشاندن مردم به صحنه مبارزه فعال سازمان ندهی آنان، بحث های زیادی می تواند صورت گیرد. نظرات مختلفی وجود دارد که من وارد آن در اینجا نمی شوم. ولی یک نکته را باید بطور صریح گفت که، بدون ورود فعال نیروهای اجتماعی، یعنی بطور مشخص نیروهای اجتماعی شهرها، یعنی کارگران، کارمندان، دانشجوین، دانش آموزان، طبقه متوسط شهری، تغییر در وضعیت کنونی، تغییر در موازنه قوا و حرکت قطعی و نهایی برای سرنگونی رژیم خمینی میسر نیست. بنابراین باید راههای عملی و واقعی برای فعال کردن مردم ناراضی، مردمی که می خواهند مبارزه کنند را پیدا کرد و در جهت آن حرکت کرد. وظایف ما در این رابطه در لحظه کنونی بطور خلاصه قرار زیر است.

بازتاب عملیات بزرگ فروغ جاویدان

در رابطه با عملیات بزرگ فروغ جاویدان و فعالیت های ارتش آزادیبخش ملی ایران از تعدادی هموطنان - نمان سولائی کرده ایم که در اینجا برای اطلاع از انعکاس این عملیات بزرگ در بین مردم چاپ میکنیم. یک هموطن در جواب این سوال که آیا مردم ایران، ارتش آزادیبخش ملی ایران را میشناسند گفت، آنهايي که فرزندان شان يا یکی از بستگان شان در جبهه ها باشند و یا آنهايي که مسائل سياسي را تعقیب می کنند و یا فرزندان یا اقوام آنها در مسائل سياسي فعال هستند و یا به رادیو گوش می کنند، ارتش آزادی بخش ملی را می شناسند.

از تعدادی از هموطنان در مورد شنیدن خبر عملیات فروغ جاویدان سوال شد. همگی آنان جوابشان این بود که خبر عملیات را از رادیو مجاهد شنیده اند و ضمناً هر کسی را که می شناسند، به رادیو مجاهد مستمرا گوش می کرده تا از نتایج عملیات باخبر شود. از چند نفر از هموطنان سوال شد که آیا مردم از عملیات مجاهدین خوشحال بودند. جواب آنان این بود که سرتی که تحت فشار رژیم بودند و زندگی آنان تحت حاکمیت رژیم و جنگ هر روز سخت تر شده است، از عملیات و پیروزی مجاهدین خلق اظهار شادمانی می کردند. در ضمن عناصر وابسته به رژیم نیز از این قضیه بسیار ناراحت و پشیمان بودند. یک هموطن دیگر می گفت که من هر کسی را که دیدم از این عملیات ابراز خشنودی می کرد. در رابطه با تلفات رژیم در عملیات فروغ جاویدان، همه کسانی که مورد سوال قرار گرفتند متفق القول بودند که رژیم در این عملیات تلفات بسیار داده و تقریباً از ادسهای رژیم از تمام شهرها در این عملیات به مقدار زیاد بیهلاکت رسیده اند. در بسیاری از شهرها کشته شدگان رژیم آنقدر زیاد است که به تمامی خانواده های آنها نمی گویند و می گذارند تا بتدریج موضوع روشن شود، ولی مردم از این مساله کاملاً با خبر هستند و می دانند که رژیم در این عملیات تلفات بسیار داده است.

در رابطه با اعداسهای وحشیانه اخیر رژیم، کسانی که مورد سوال قرار گرفتند می گفتند که از آن اطلاع دارند و علت آن ترس رژیم از آینده خودش است و می خواهد مردم را بترساند و برای ایجاد رعب و وحشت بطور علنی و در میادین شهرها، دست به اقدام می زند. یک نفر که از تهران آمده بود می گفت که نیروهای رژیم در تهران بشدت روحیه خود را در جریان عملیات فروغ جاویدان باخته بودند. وی میگفت در روزهای عملیات، همه جا صحبت از این عملیات بود و مردم دم به دم خبر عملیات را تعقیب می کردند. نیروهای رژیم هم تمامی نقاط شهر را سعی میکردند کنترل کنند. یکی از هموطنان که در مورد انعکاس عملیات فروغ جاویدان در شهر بوکان می گفت: در روزهای عملیات شور و شوق بسیاری در شهر ایجاد شده بود. مردم شهر با حساسیت زیادی اخبار این عملیات را دنبال کرده و سرتی آنها برای همدیگر نقل می کردند. مردم در انتظار واقعه بزرگی بودند و تعدادی از جوانان مخالف رژیم خود را آماده می کردند تا در صورتیکه موقعیت مناسب بوجود آمد، به مراکز دولتی و خانه جانشینا

سخنرانی رفیق مهدی سامع

۱- تبلیغ فعال برنامه سیاسی خودمان برای این مرحله و نه آن مراحل آینده و آرمانهای نهایی. ما در مورد آرمانهایمان اگر حتی یک نفر هم باشیم دفاع می کنیم و معتقدیم که آنها برحق هستند. در هر شرایطی از برحق بودنش دفاع می کنیم. ما تردیدی نداریم که عصر کنونی، عصر تلاشی سرمایه داری و تحقق سوسیالیسم است. ما تردیدی نداریم که عصر کنونی، عصریست که طبقه کارگر حرف نهائی را خواهد زد و سوسیالیسم یگانه راه رهایی بشریست است. ولی برنامه سیاسی ما در این مرحله در جهت تحقق چنین امری بطور مشخص نیست. مهمترین علت آنهم، اینست که تحقق چنین امری فعلاً عملی نیست. اکنون ما از یک سلسله خواسته های دمکراتیک بعنوان محوری ترین و مقدم ترین نیازهای مردم و نیاز تکامل جامعه، دفاع می کنیم. دفاع دیگری از حقوق دمکراتیک توده ها، چونکنگی بیان و اراده این خواسته های دمکراتیک و تبلیغ روی آن، اولین قدم برای اجتماعی شدن هر چه بیشتر مبارزه مسلحانه است. قدم دوم، سازماندهی انقلابی مردم است. بستگی به توانایی هایی که داریم، باید بتوانیم نیروی هر چه بیشتری را سازماندهی کنیم. نیروهایی که برای ما بالفعل هستند، باید بتوانیم سازمان دهیم. البته این قدم را نمی توان بطور کامل برداشت مگر اینکه مساله جوی را حل کنیم. و برای این باید خودمان را آماده کنیم. برای این مگر باید تشکیلات داشت. و وقتی تشکیلات وجود داشته باشد، باید آنها تقویت کرد و آنها دوست داشت و شیوه های حل مسائل آنها پیدا کرد. اول صحبت هامی گفتیم که برگزاری این کنفرانس برای رفقا یک موفقیت بزرگ است. در آخر صحبت هامی

می خواهم بگویم که، تاریخ فقط پشت سرما نیست. در اینجا هم که ایستاده ایم، متوقف نمی شود. هر کسی هم در تاریخ یک جنبش توقف کرد، فقط به پشت سرش نگاه کرد و فقط به افتخارات گذشته بالید، دیگران می آیند و از او جلو می زنند. امروز شوریهایی ما، سیاست های ما، سازماندهی انقلابی ما، منوط به این است که ما چقدر تشکیلات خودمان را بهتر تکامل دهیم، چقدر روابط خودمان را اصولی تر تنظیم کنیم و انتقاداتمان را اصولی مطرح کنیم و شیوه هایی که برای نفی موارد غلط بکار می بریم، اصولی و مساله حل کن باشد. ما باید یک جمع بندی از کارهایمان بکنیم. اشکالاتمان را رفع کنیم. بدانیم که اگر این تشکیلات بخواهند نقشی در جنبش داشته باشد، باید مساله حل کن باشد. باید ضمن انتقاد همه، از مرکزیت تا پایین، بدانیم که اراده واحد ما، در وحدت تشکیلاتی خود را نشان می دهد و غیر از این پیشرفت های سیاسی ما هم به نتیجه مطلوب نمی رسد و حتی ممکن است نتیجه منفی به بار آورد. در خاتمه من بکار دیگر به رفقا بخواهر برگزاری این کنفرانس تبریک می گویم. یاد آنها کسی که در راه آزادی شهادت رسیدند و ما راه آنها را ادامه می دهیم و یاد آنها انرژی می گیریم. اگر ارامی می داریم. به تمام زندانیان سیاسی ایران درود می فرستیم. به خانواده های شهید و اسرای مقاومت انقلابی درود می فرستیم و مقاومت آنان را ستایش می کنیم. تردیدی ندارم که رفقا با عشق و ایمانی که به استقلال، دمکراسی، صلح و سوسیالیسم دارند، مشکلات و موانع را از جلوی راه برمی دارند. همینطور که تا حالا برداشته اند. رفقای ما، امروز سرفرازند که در راه مبارزه، یابرجا و استوار بوده اند و خواهند بود و مسلماً موفق خواهند شد و من هم برای رفقا آرزوی پیروزی می کنم. متشکرم.

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

بقیه از صفحه ۵
می خواهد که به دفاع از حقوق یکمده بیست هزار انسان اسیر قیام کنند تا رژیم خمینی در این زمینه و اداریه عقب نشینی شود.
همچنین بسیاری از هموطنان اسیر ایرانی، که در اردوگاههای زندانیان جنگی عراق بسر می برند، به گواهی نامه ها و اسناد موجود مدت هاست که خواهان پیوستن به مقاومت ایران شده اند. از اینرو در هنگام آزادی و میادعلی اسیران، باید بتوانند بر اساس حقوق مسلم شان مسیر زندگی آینده خود را آزادانه انتخاب کنند، بخصوص که در صورت تحویل ایشان به رژیم خمینی، از آنجا که رژیم به طرق مختلف به تمایز سیاسی آنها پی برده است، در معرض انواع فشارها و تهدیدها قرار می گیرند.

مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت ایران
۱۳۴۷/۱/۱۲

رونوشت:
- دبیرکل ملل متحد
- ملل متحد
- دفتر بین الملل

حمله می کنند. این هموطن می گفت رژیم از شهر بوکان ۶ مقر نظامی خود را کاملاً تخلیه کرده بود تا به منطقه درگیری اعزام کند.

شکری

بقیه از صفحه ۱۶

تلاش کنیم زود است."
من گفتم: "نه. برای حرکت و تلاش برای ایجاد یک سازمان مارکسیستی - لنینیستی اصولی و با تقویت گرایشات اصولی در تشکل های موجود مارکسیستی همیشه دیر است."
شکری با خنده گفت: "باشد این هم مرز بندی شما با من، ولی شما تلاشهای خود را بکنید، یادت ترود کنه مجاهدین خلق را تنباً نگذارید."
همه کسانی که شکری را می شناختند می دانند که او چنین بود و بهمان گونه حرکت کرد. پس از ۴۰ خرداد در رابطه با پیشرفت کار شورای ملی مقاومت، تلاش نمود و سرانجام دستگیر شد. پس از مدتی او را به شهادت رساندند. (به احتمال قوی زیر شکنجه) تمام اخبار داخل زندان حاکی از مقاومت قهرمانانه او و روحیه انقلابی اش بود.
اکنون جای شکری بسیار خالی است. جای شکری در مبارزه انقلابی مردم ایران علیه ستمگری رژیم جمهوری اسلامی، جای شکری در مبارزه انقلابی خلق کرد برای آزادی و خودمختاری، جای شکری در مبارزه برای تقویت گرایش دمکراتیک - ضد امپریالیستی در درون جنبش مردم ایران، جای شکری در همه سنگرهای مقاومت خالی است.
اگر ما او را در این حوزه های مختلف فعالیت نمی بینیم، برای یافتنش به قبرستانهای سردخاوش شاه و خمینی ساخته مراجعه نمی کنیم. او در قلب میلیونها هموطن رنج دیده، محروم و زحمتکش ما و بعنوان یک انقلابی و یک مارکسیست - لنینیست زنده و جای گرفته است.

شکری

نوشته مهدی سامع

به نقل از دفترهای آزادی وابسته به جبهه دمکراتیک ملی ایران

دی ماه ۱۳۶۳



هیچ چیز نمی‌تواند اندوه عمیق ما را باخاطر از دست دادن شکرالله پاکمژاد (شکری) تسکین دهند. شاید پیروزی انقلاب خلقهای ایران علیه مستکبری امپریالیسم و علیه رژیم خمینی بتواند این اندوه را کمی تسکین دهد، ولی بهر حال از دست دادن شکری شایعه‌است بزرگه! در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و الزاما امتدادزده که همواره انسانها زیر تازیانه‌های دیکتاتوری گفران عمر می‌کشند، رهبران مقاوم برجسته باید دارای عمیق‌ترین احساسات مردمی و اراده‌ای انقلابی باشند! شکری بی‌شک مارکسیست - لنینیست خلاق و یک انقلابی آزاده بود. اگر زندگی سیاسی او را در مجموع بررسی کنیم، می‌بینیم که شکری عموماً بعنوان یک انقلابی پیگیر و برخوردار از دانش‌های انسانی آزاد بود. هیچگاه به برخوردی سکتاریستی و عجولانه با او نمی‌توانست در دیدگاههای او نسبت به برخورد کنندگان تغییر نمود. خصوصیت بارز او ثابت قدمی در افکار و عقاید، روحیه همکاری و انعطاف پذیری در حرکت اجتماعی با مردم همراه با کینه‌های عظیم به دشمنان آزادی و مردم بود.

شکری زندگی مبارزاتی طولانی داشت و از فعالین جبهه ملی در سالهای ۲۹ تا ۲۲ بود و مدتی پس از آن فعالیت در محافل مارکسیستی را شروع نمود. در سالهای ۲۲ تا ۲۸ فردی موثر در جنبش دانشجویی بود و در طی این دوران برای دفاع از مبارزه خلق ایران فلسطین و نیز برای دین دوره آموزشی و شرکت به ایران برای مبارزه مسلحانه عازم فلسطین شد که دستگیر شد.

دفاع قهرمانانه او از حقوق و مبارزه مردم علیه رژیم شاه و نیز دفاع او از مارکسیسم - لنینیسم و مبارزه مسلحانه در دیدگاههای او نقش موثری در روشنگری مردم داشت. وی در طول زندان بارها زیر شکنجه رفت و تسلیم نشد. پس از آنکه بدست توانای مردم آزادیان آزاد شد در فعالیت‌های علمی نقش موثری داشت، وی یکی از افراد موثر در ایجاد جبهه دمکراتیک فلسطین بود. فعالیت‌های او در رابطه با جنبش فلسطین - دمکراتیک خلق کرد، فعالیت‌های پیگیر او برای دفاع از دستاوردهای دمکراتیک انقلاب بهمن، برگزاری کنفرانس خلقها، شرکت فعال در مبارزه سیاسی این دوران برای افشا - هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی و تشریح نمودن پرونده زورمندی نسبت به رژیم خمینی، شرکت فعال در بحث‌های مربوط به همکاری نیروهای انقلابی و نیز سرانجام شرکت در شورای ملی مقاومت و... چکیده‌ای از فعالیت‌های او است.

اگرچه شکری یک چهره انقلابی آشنا برای مردم ایران و جهان است اما به هیچوجه یک چهره و جبهه - الهام نیست. او موضع‌گیری مشخصی روی مسائل مشخص داشت و از این جهت مخالفین بسیار نداشت. اما یک خصوصیت بسیار برجسته شکری تحمل پذیری او در مقابل اتهاماتی بود که بوی وارد می‌شد. وی هم چنین هیچگاه مخالفت دیگران با خودش را عینای تفاوت روی آنها قرار نمی‌داد. او مینمای تفاوت روی دیگران را بطور عمده بر اساس چگونگی مبارزه انقلابی شان با دشمن مشترک مردم (دشمنی که در هر مرحله بطور عمده در مقابل پیشرفت و تکامل مبارزه طبقاتی قرار می‌گرفت) می‌گذاشت.

به شکری اتهامات زیادی وارد می‌کردند. در ابتدای روی کار آمدن کارگر که مسئله باز شدن فضای سیاسی مطرح شد در زندانهای شاه مسئله استفاده کردن از این فضا، با بی تفاوت بودن و با مخالفت کردن با آن مطرح شد. در ابتدا که هنوز جنبش توده‌های شکل نگرفته بود (هنوز نظارات قم و تبریز شروع نشده بود) اکثریت قریب به اتفاق مارکسیست‌ها معتقد بودند که ما نباید خود را به این فضا آلوده کنیم. شکری شدیداً معتقد بود که نه فقط باید از این فضا استفاده کرد بلکه باید کاملاً در مرکز صحنه قرار گرفت. وی مدتی جبهه ضد دیکتاتوری علیه رژیم شاه بود و از این جهت بویژه چون در رابطه با کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی موضعی منطقی داشت به توده‌ای بودن متهمین گردید.

پس از قیام معتقد بود محور مبارزه باید مبارزه برای دمکراسی انقلابی و حقوق دمکراتیک توده‌ها باشد و در این رابطه بطور فعال در بنای جبهه دمکراتیک ملی گوشش نمود. در این موقع به او مبارک "لیبرال" بودن زدند و الحق که حزب توده در این مبارک زدن "پیشرو" و بقیه بدینسان روان بودند. سه

تحلیل‌های ماثوسه تنگه در دوران انقلاب چین بویژه از تحلیل وی راجع به تفاد توجه داشت و بعضی مواقع آنرا بکار می‌گرفت (در مصاحبه با خام‌عاطفه گرگین سردبیر مجله فصلی در گلسرخ، از اینسرو او را متهم به داشتن تفکرات مائوئیستی نمودند. مخالف انقلاب فرهنگی در چین بود، او را به تعابلات خرد بوزروائی و تنگه شناوبینگی متهم کردند، اما شکری نشان داد که می‌توان به جبهه ضد دیکتاتوری معتقد بود و در رابطه با شوروی موضعی منطقی داشت و توده‌های نبود، می‌توان و باید دوباره برای دمکراسی سیاسی پیگیر بود ولی لیبرال نبود.

پس از دستگیری او، انتظار می‌رفت نیروهای کتهدی دفاع از مارکسیسم - لنینیسم هستند بخاطر اینکه علی‌الاصول باید پیگیرترین مدافع دمکراسی باشند بیش از هر نیروی دیگری از وی دفاع نمایند. در بین این دسته از نیروهای سیاسی تنها سازمان ما (سازمان چریکهای فدایی خلق ایران) تا اندازه‌ای در بدین امر سادرت و رزید و در نشریه کار و جهان چه در رابطه با بازداشت او و چه در رابطه با اعدام جنایت کاراناش مطالبی نوشت. در بین نیروهای که در این رابطه سکوت کردند بیش از همه از دوستان کومله و نیروها و شخصیت‌هایی که در چهارچوب نظریات کومله حرکت می‌کردند انتظار و اکثراً صرفت، چراکه شکری وجهه دمکراتیک ملی در نشاناندن این نیروها به مردم سراسر ایران و فعالیت انقلابی شان نقش موثری داشت.

اما اگر بخواهیم از زندگی او درسی بیاموزیم باید کوشش کنیم فرازهای زندگی او را تشریح نمائیم. ستایش از قهرمانی شکری در مقابل دشمن، قدر دانسی از ایستادگی‌های او در مقابل سختی‌های مبارزه، صراحت و صداقت او در مقابل دوستان خلق و پاسداری او در نظر اکثریت قبول بعضی از دوستان، شکری یک دانشمند بود. او در تخصص و پژوهش ساخته بود. همه می‌دانند که باز جوش‌هایی شکری در زمان شاه یک صحنه بودند بعد است که باز جوش‌های او در زندان‌های جزیری بیشتر از این باشد. واقعیت آن است که در زمان شاه در دستارک سیاسی مبارزه مسلحانه انقلابی نقش مهمی داشت. او در زمان زندان شاه از مجموعه عواملی که باعث بوجود آمدن به اصطلاح "فضای باز سیاسی" شده بود، بزرگترین بعنوان سوباب اطمینان یاد می‌کرد، و لکنی مذکور می‌شد که پیامد از این سوباب اطمینان دوری جست بلکه باید آنرا به عاملی برای رشد و گسترش مبارزه ضد امپریالیستی تبدیل کرد. او بزرگ‌سای از مبارزه خمینی برای سرنگونی شاه حمایت می‌نمود و درست بخاطر اعتقاد به مبارزه برای دمکراسی سیاسی پس از قیام، مبارزه علیه ارتجاع سیاسی ایران (به رهبری خمینی) را عمده دانست و برای پس گرفتن مشروعیت خود این خمینی کسب کرده بود و بسبب مبارزه سیاسی و علمی برای دمکراسی پس‌پسای لازم می‌داد (ارجاع شود به مصاحبه شکری با عاطفه گرگین) در همین جا به نسبت به مباحثاتی که بین او و سازمان ما پس از قیام ۲۲ بهمن جریان داشت بطور خلاصه اشاره کنم. شکری این بحث‌ها را با جمعی داشت که فرخ نگهبان هم جز آن بود.

تهدا قرار جمع معتقد بودند که سازمان فدائوسی باید بطور همه جانبه در فعالیت علمی شرکت داشته باشد و از طرف دیگر بهای لازم رابه مخفی نگه داشتن استخوانبندی‌های لازم برای شرایط اختلاقی بدهد. منتها نگهبان معتقد بود باید یک سازمان جداگانه علمی ایجاد کرد. خود او مثال می‌زد "مثل اتحاد دمکراتیک مردم ایران متعلق به حزب توده" و شکری معتقد بود این معنی عدم درک کار دمکراتیک، شکری می‌گفت سازمان فدائی باید بحثنامه یک کلیت به کار علمی و مخفی بپردازد و نه آنرا جزو یک پنا بر این برای حل این تضاد باید به جبهه دمکراتیک ملی ایران ببیند و ارگانهای این جبهه مثل سازمان زمان، سازمان دانشجویان... را تقویت کند و به هیچ وجه نباید بطور جداگانه سازمان علمی تشکیل دهد. او می‌گفت سازمان فدائی باید یک برنامه اعلام کند و این برنامه را بوسله اندامهای مختلف بنحوی موثر پیاده نماید یعنی باید بخش‌ها و افراد را که لازم است فعالیت علمی کنند در ارگانهای جبهه دمکراتیک متشکل نماید و این بخش‌ها و افراد تابع موقع گیربهای کلی سازمان باشند و از این موضعگیری‌ها در جبهه دفاع کنند. وی سپس پرسه رفت ایمن جریان را اینگونه تشریح می‌کرد، بتدریج که مشروعیت خمینی از بین می‌رود، در نقطه‌ای ما مجبور به مبارزه

برای سرنگونی او هستیم، در این صورت جبهه باید بمفاهیم یک سازمان مخفی حرکت کند و در آنجا استخوانبندی سازمان فدائی که به فعالیت شخصی سادرت و رزید به اهرمی برای پیشرفت کار انقلاب تبدیل می‌شود.

اتفاق می‌کرد که ستر جبهه دمکراتیک فلسطین برای کار علمی سازمان، مانع کار مستقل سازمان فدائی نخواهد شد، بلکه آنرا وسعت و عمق خواهد داد. در آن جلسه نگهبان با این طرح مخالفت کرد و تنها به اینکه سازمان از جبهه دمکراتیک حمایت کند اکتفا نمود و بعدها با رویگردانی رهبری اپورتو - نیست سازمان (با نقشی که نگهبان در آن داشت) از مبارزه برای دمکراسی انقلابی، این حمایت کاسلا قطع شد. در واقع رابطه سازمان با جبهه دمکراتیک هیچگاه شخصی و معین نبود و شکری همواره از این بابت به قهر اصولی بودن و غیر مارکسیستی بودن این رابطه اعتراض داشت. تجربه نشان داد که صرف شکری درست بود. پس از ۱۴ آگست ۵۹ شکری به فعالیت شخصی روی آورد. آخرین باری که او را دیدم مجذوب از نوروز ۶۰ در خانه یکی از دوستان مشترکمان بود. از گردنستان می‌پرسید و نسبت به موضعگیریهای شاخه گردستان سازمان ما در قبال نیروهای جنبش ملی خوشبین بود. او موقع مثل حال نبود که اکثر گروه‌های م - ل، الزاما زیر پوشش نظامی حزب دمکرات در گردستان به رفق و قفق امور خود مشغول باشند. آن موقع روی روی دانشگاه تهران جای لانگسای نشوربهای رنگارنگ بود. فراموش نگردیدیم که بمصاحبه روزنامه صحافت با دکتر قاسم‌لو چه حالانی از طرف سازمان بیکار برانگیختند، جار و جنجالهای آن قسمت از حزب توده هم بجای خود محفوظ است. خلاصه آن موقع جبهه سیاسی از حزب دمکرات مثل اکثران ساده نبود و ما آن موقع به خاطر الزامات و اجیارات کار تشکیلاتی، بلکه بر اساس تحلیل دقیق از شرایط شخصی این سیاست را برگزیده بودیم و شکری از اینکه ما نوشته بودیم "شکست یا تداوم مبارزه خلق کرد به شکست و یا تداوم مبارزه حزب دمکرات گردستان ایران بستگی دارد" بسیار خوشحال بود. او می‌گفت محکم باشد، روزی، دیگر نیروهای م - ل که صادق هستند به این واقعت پس خواهند برد. (مثل اینکه امروز این واقعت کمی روشن شده است، اگر چه هنوز هم در بسیاری از موارد آمیخته به ملاحظیات تکنیکی و تاکتیکی است و نه بر اساس یک ارزیابی علمی از روند واقعی جنبش خلق کرد.)

حرف بسیار در رابطه با برنامه مجاهدین خلق زد و گفت رابطه تنگاتنگی برقرار کرده‌ایم. اصراً بسیار داشت تا مسائلی که در آینده پیش می‌آید جدی بگیریم. مهم باز انتقال خود راز شکری مطرح کردم و گفتم: "شکری این درست است که باید سیاست اصولی در رابطه با نیروهای جبهه خلق داشت ولی فکر تویک مارکسیست - لنینیست نیستی؟"

او گفت: "بله من هستم."

گفتم: "پس چرا در جهت ایجاد یک تشکیلات کمونیستی قدم بر نمی‌داری تا تمام اقدامات خود را با این تشکیلات انجام دهی؟"

او گفت: "من در خدمت گرایش اصولی هستم ولی هنوز برای اینکه خودم در جهت ایجاد این تشکیلات

پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد توسط رژیم خمینی، رفقای سازمان ما در تهران اقدام به جمع آوری نظرات مردم در کوچه و خیابان و محل کار و تجمع مردم نمودند. این اقدام بمسورت طبیعی انجام گرفته و کسانی که اظهار نظر کرده اند، از هویت سوال کننده و یا کسی که حرفهای آنها را گوش می کرده با خبر نبوده و با اصلا متوجه نبوده اند که شخص دیگری شاهد اظهار نظر آنان است. این نمونه برداری نظرات، از محل های مختلف (مثل مراکز فرهنگی، کارخانجات، مساجد و ۱۰۰۰ صورت گرفته که ما به ترتیب آنها را جمع بندی و ارائه می دهیم. موارد تکراری در این جمع بندی حذف شده است.

قسمت الف - مراکز فرهنگی

۱- مکان: تهران - تجریش - ابتدای خیابان ولی عصر - آموزشگاه پسرانه امید

زمان - ۲ روز بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ سوزه: یک جوان حدود ۲۵ ساله، می گفت: "کاشکی خمینی ۶ سال قبل زهر را نوشیده بود برای این مملکت اینهمه قبرستان آباد نمی کرد"

۲- مکان: تهران سی متری نارملک خیابان آیت آموزشگاه دخترانه مدرن - زمان: ۶۷/۵/۱ - سوزه: یک خانم محصل آموزشگاه شبانه، می گفت: "خمینی اصلا آبرو نداشت که با کسی معامله کند. او یک شایع بود که همه حرفهایش دروغ بوده و لفظ حزب اللهی هارفریب می داد، که حالا اونها هم می فهمند چه غلطی کرده اند"

۳- مکان: تهران - خیابان انقلاب (شاهرضای سابق) - روبروی لاله زارنو - آموزشگاه علمی دانشجو - زمان: ۶۷/۵/۸ - سوزه: یک معلم آموزشگاه می گفت: "خمینی برای گرفتن کمک از امریکا، رفسنجانی را جلو انداخته تا هم اینگزار را روبراه کند و هم جنگ را تمام کند، کاشکی مجاهدین می توانستند پدر اینها را در آورند"

۴- مکان: خیابان ولی عصر - پائین تر از پارک دانشجو - کوچه هاشمی فر - آموزشگاه دخترانه سینا زمان: ۶۷/۵/۱۸ - بعد از اعلام زمان آتش بس، سوزه: یک دانش آموز می گفت: "حالا که وقت آتش بس هم تعیین شده، معلوم میشود همه آنها که در جبهه ها کشته شدند کلاه سرشان رفته و خمینی نه قدس را گرفت، نه کربلا را و نه هیچ جای دیگر را. حالا هم باید کلاه خود را دوستی بگیرد که باد نبرد"

۵- مکان: تهران - بل سید خندان - خیابان سهروردی شمالی - اول خیابان ابن یمن - آموزشگاه دخترانه مزیمی - زمان: ۶۷/۵/۱۴ - بعد از اینکه رادیوی رژیم مجازاتهای شدید برای سربازان فراری اعلام کرد - سوزه: یک خانم معلم می گفت: "عجب روش اینها دارن - حالا که زهر را نوشیده اند، حالا که پالک آبروی خود را بر باد داده اند، حالا که همه دروغ هایشان روتده و معلوم شده که هیچ در بساط ندارند، باز هم برای جوانان مردم خط و نشان می کشند"

۶- مکان: فلکه چهارم تهران یارن - جنب خیابان سازمان آب، دانشگاه سپاه پاسداران، زمان: ۶۷/۴/۳۰ سوزه: گفتگوی با پاسدار با دوستش

پاسدار: با لآخره این رفسنجانی، امام را گول زد و مجبور کرد که آتش بس را امام بپذیرد. بایسد از

رفسنجانی انتقام گرفت.

دوست پاسدار: نکنند یک روز مجبور شوید که به پرچم امریکا هم احترام بگذارید

پاسدار: اگر این اکبر شاه (منظور رفسنجانی است) کارها را پیش ببرد، هیچ بعید نیست. ولی من آن موقع میرم سیکار فروش می شوم.

۷- مکان: در دانشگاه تهران، زمان: ۶۷/۴/۳۱ سوزه: یک کارمند دانشگاه به سخره می گفت: رفسنجانی می خواهد عمامه اش را بردارد و کسراوات بزند و خودش به رئیس جمهور امریکا خوش آمد بگوید. فقط عده ای حزب اللهی نادان در جبهه ها نابود شده اند. کاشکی یکی از موشکها وسط خونه خودش می خورد تا بجای زهر، موشک می خورد."

انعکاس قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم خمینی در جامعه

می گفت: "خبرداری که در عراق، جشن و پایکوبی است. این مردم با امام وفا نکردند و امروز ما مجبوریم از اینکه نتوانستیم جنگ را تا پیروزی ادامه دهیم، غم و غمه بخوریم. تازه معلومه که بیس مسئولین هم خیلی اختلافات بالا گرفته است. دو روز قبل آقای سعیدیان که نماینده آیت الله منتظری در انجمن ما هستند، می گفتند که باید مواظب بود، آنها که می خواهند همه کارها را خودشان انجام دهند و همه امورات را در دستشان بگیرند، ما را قربانی نکنند"

۱۳- مکان: تهران - خیابان سپه سابق (خمینی) خیابان رودکی - مسجد حجتیه - زمان: ۶۷/۵/۲۱ سوزه: یک حزب اللهی مخالف رفسنجانی در پایگاه

قسمت ب - مراکز تجمع مزدوران رژیم

۸- مکان: خیابان دگتر شریعتی - قلهک کوچه

امام زاده - مسجد امام حسین - زمان: ۶۷/۵/۱ سوزه: یک بسیجی عضو پایگاه بسیج مستقر در این مسجد می گوید: "کار ما این شده که کشته بدیم تا رفسنجانی با خون ما معامله کند. من که دیگه به هیچکی اعتماد ندارم"

۹- مکان: تهران - خیابان کمال الملک اداره کسب انتشارات و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - زمان: ۶۷/۵/۲۲ - سوزه: یک کارمند مرد این اداره می گفت: "حما مطیختی در این کار بوده که امام قبول کرده اند. ولی حالا گلاهای ما مشکل میشود، چون تمام کارهای ما برای تبلیغات سرکشی جنگ سازماندهی شده بود، حالا باید بگوئیم صلح می خواهیم. حتما در سراسر دنیا خیلی ها ما را مسخره می کنند"

۱۰- مکان: تهران - خیابان بهارستان - مقابله بیمارستان طرفه، سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران - دفتر مرکزی ستاد پشتیبانی فرهنگی - تبلیغی جنگ استان تهران - زمان: ۶۷/۵/۵ - سوزه: یکی از مسئولین این ستاد به تعدادی از افرادی که عازم جبهه بودند می گفت: "حالا هر چه پیش آمده و هر چه بر شما گذشته، باید فراموش کنید. فعلا دشمن تا نزدیکی کرمانشاه آمده. باید رفت و جنگید" این مسئول در جواب یکی از مزدوران که سوال می کرد از کجا معلوم است که در این مورد هم مثل جنگ با عراق ما کوتاه نیائیم. گفت: "فعلا وقت این حرفها نیست اگر در این لحظه کوتاه بیائیم، تمامی حزب اللسه نابود شده است"

۱۱- مکان: تهران - خیابان انقلاب - نیش خیابان فلسطین - انتشارات بعثت - زمان: ۶۷/۵/۱۷ - سوزه: یک خریدار کتاب به فروشنده کتاب می گوید: "چند تا کتاب در مورد ضرورت جنگ می خوام، چون من کسه واقعا گیج شده ام."

فروشنده کتاب می گوید: "باید در مورد جنگ و صلح هر چه می خواهید از آقای رفسنجانی و اگر دستتان می رسد از رادیو امریکا سوال کنید. آنها بهتر می دانند"

۱۲- مکان: تهران - خیابان آزادی - روبروی دانشگاه صنعتی شریف - انجمن اسلامی مسلمانان - زمان: ۶۷/۵/۱۹ - سوزه: یک معلم حزب اللهی به دوستش

مسجد می گفت: "دیروز رفسنجانی بازم دروغ دیگری گفت. او به مردم می گوید که بما قول داده اند که کمیته تشخیص متجاوز تعیین شود. معلوم نیست چه کسی به آقای رفسنجانی قول داده و چرا باید قول ابرقدرتها را قبول کرد."

۱۴- تهران - میدان انقلاب - کتابفروشی جهاد سازندگی - زمان: ۶۷/۵/۲۶ - سوزه: گفتگوی یک نفر از مزدوران رژیم با فروشنده کتاب که خودش نیز حزب اللهی است. "اگر آقای رفسنجانی سپاه را متحل کند، بعدا سراغ جهاد سازندگی هم خواهد آمد"

۱۵- تهران - سربل امام زاده معصوم، خیابان شیخ محمدی کوچه چهارم مسجد امام حسن - زمان: ۶۷/۵/۲۸ - سوزه: جمعی حزب اللهی جلوسوی مسجد در مورد شرایط با هم حرف می زدند. یکی از آنها گفت: "مقاله دیروز کیهان که در مورد آفتی مطلق نوشته شده، خط امریکاست. ما دیگه زیر بار این چیزها نخواهیم رفت. اگر این را قبول کنیم، خودمان گور خودمان را کنده ایم"

۱۶- تهران - افسریه خیابان شماره ۲۷، مسجد صاحب الزمان - زمان: ۶۷/۶/۵ - سوزه: یک حزب اللهی مستقر در پایگاه مسجد می گفت: "وقتی خیر ملاقات مستقیم بین جمهوری اسلامی و عراق یخش شد، داشتیم از غصه می مردم. بچام به من خندید و با متلک گفت، بابا برای مذاکره با ریگان تو را می فرستند"

۱۷- تهران خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان منیریه، دفتر استخدام نیروی زمینی ارتش - زمان: ۶۷/۶/۴ - سوزه: یک استوار ارتش، کارمند دفتر استخدام به دوستش می گفت: "ما تا حالا ندیده ایم که آقای رفسنجانی کار اشتباهی انجام دهد. اگر مسئولین دیگر حرفهای ایشان را بشنوند، کارها درست میشه. عده ای آدمهای افراطی هستند که حرفهای کنده کننده می زنند، ولی کاری نمی توانند انجام دهند."

۱۸- تهران - خیابان انقلاب - نیش خیابان فلسطین - کاتخ سابق - انتشارات بعثت - زمان: ۶۷/۵/۲۷ - سوزه: یک مردور رژیم از بانده رسالت می گفت: "نتیجه سی برناسکی و ندانم کاری دولت، کارها را به اینجا کشاند. دولت در جنگ کساری نتوانست بکند. حالا باید مواظب بود که در مذاکره ات کلاه سرش برود." بقیه در صفحه ۹

حزب الله به پشت صحنه رانده می شود

بقیه از صفحه ۱
در صحنه را از صحنه حذف و بجای حزب اللهی های دهان گف کرده و چماق بدست، ارگانهای متمرکز نظامی و پلیسی که تابع "قانون" بوده و از نظم "سرمايه داری وابسته" اطاعت کنند بوجود آورد. جریان مخالف که خود را باندها و فرقه های مختلفی تشکیل شده، موافق حفظ وضع موجود، برای برگشت به روزهای حملات همراه با موج انسانی و صدور انقلاب اسلامی است. در اینکه گرایش اخیر علیرغم حمایت های موضعی خمینی، دیگر نمی تواند بکه ناز میدان باشد، جای هیچگونه شک و شبهه ای نیست. اما آنچه مهم است، اینست که این گرایش در چه زمانی کاملاً تسلیم و دستپايش را بالا خواهد برد. برای پاسخ به این سوال مروری بر بعضی از رویدادهای ماههای اخیر سودمند است.

در تاریخ ۲۵ مهر امسال، علی حجتی کرمانی طی مقاله ای در روزنامه کیهان، در رابطه با فتاوی خمینی به "آخوندهای مقدس باب" که "جوسازی می کنند" حمله کرد و بندجوی جوهر فتاوی خمینی را علیه خط منق و محافظه کار اعلام نمود.

در تاریخ ۲۷ مهر امسال، خامنه ای در مورد جلسات "شورای سیاست گذاری بازسازی کشور" صحبت کرد و از جدی بودن این شورا صحبت نمود. در همین روز، به دستور قهد، عربستان سعودی، تبلیغات علیه رژیم خمینی را قطع نمود.

در تاریخ ۲۹ مهر امسال، موسوی اردبیلی در نساژ جمعه اعلام نمود که "نخستین گام در راه بازسازی ایجاد امنیت است". گرچه وی سر بخا نگفت که این امنیت برای کیست، اما از تمامی حرفهای این آخوند ارتجاعی می توان فهمید که منظور وی تامین امنیت برای رژیم خمینی است.

در تاریخ ۱۲ آبان، روزنامه جمهوری اسلامی طی يك سرمقاله از ایجاد رابطه با امریکا دفاع کرد.

در تاریخ ۱۶ آبان امسال، خمینی در جواب نامه انصاری در مورد جناح بندی درون رژیم، از جناحهای مختلف خواست که وحدت خود را حفظ کنند. خمینی در همین نامه، به امریکا و شوروی حمله نمود. این شکل جواب خمینی، نشان دادن وخیم بودن اوضاع داخلی است.

در تاریخ ۱۸ آبان امسال، جرج بوش به ریاست جمهوری امریکا انتخاب شد. يك روز بعد نیز، رژیم خمینی اعلام نمود که روابطش را با انگلیس از سر خواهد گرفت.

در تاریخ ۲۰ آبان، سومین دور مذاکرات عراق و رژیم خمینی، بدون هیچگونه نتیجه خاتمه یافت. ۵ روز بعد، رفسنجایی در حالیکه از نواحی جنگ زده بازدمد می کرد، اعلام نمود که از کشورهای غرب و ام خواهد گرفت.

در تاریخ ۲۴ آذر امسال، خمینی در جواب نامه گروهی که خواستار ایجاد يك نهاد مستقل شورای رسیدگی به خانواده قربانیان جنگ بود، نامه ای بسه نخست وزیر نوشت و ضمن تشدید کامل دولت او، او را سانسور چنین نهادی نمود.

در تاریخ ۲۷ آذر، همزمان با ملاقات گنشر با ولایتی،

نامه ای از ایران

بقیه از صفحه ۱
در دست مردم است و یا در بانکها نگه داشته اند. به هیچ کاری، تولیدی یا سرمایه گذاری با عمران و آبادی وارد نمی کنند چون برای هر کاری دولت مشکلی گذاشته و هر که بتواند پولش را از کشور خارج می کند، خالا نه تنها بعد از جنگ وضع بهتر نشده بلکه بدتر هم شده الان هنوز هم اینها بعنوان اینکه نه جنگ است، نه صلح، مردم را می دوشند یعنی کاسب ها را می دوشند و کاسب ها هم مردم را می دوشند و باز مردم بدبخت را به جیبها می برند. خلاصه همه چیز نامفهوم و نا معلوم است. الان وضع طوری است که همه چیز به یک نفر مربوط است و جز او هیچکس کارهای نیست و اختیاری ندارد. کوچکترین و بیش یا افتاده ترین کار را باید او دستور دهد و همه همین جهت همه کارها کند است با این ترتیب اگر بگوروز او از بین برود همه چیز بهم خواهد ریخت و يك روز هم این سلطنت پابرجا نیست. از طرفی تصور می رفت با خاتمه جنگ کشورهای صنعتی بنا سائلک پیش رفته مجدد از ارتباطشان با ایران برقرار کنند اما این طور نشد و هیچکس مایل به برقراری روابط با ایران نیست و لذا باز هم شب آبیستن است تا چه زاید سحر ۰۰۰۰ از این مسئله که بگذریم که به قول آهنگ سازان پیش درآمد بود حالا برویم سر اصل آنچه تو می خواهی و من مطالعه کرده ام و باید برایت بنویسم آنچه که ما تصور می کردیم که همه چیز بعد از خاتمه جنگ بر سر است. هزار هزار بار خراب تر شده. وضع اقتصاد حلال دیگر واقعا به ورشکستگی کامل رسیده، دیگر سنگ روی سگ قبول معروف بند نمی شود هشت ماه است در این کشور دولت برنج به مردم نداده ۶۰ ماه است برنج وجود ندارد و مرغ فروشی ها تبدیل به سبزی و باد سبجان فروشی شده، همه چیز مجدداً به قیمت های سرآم آور رسیده، برای نان حتی ساعتها باید در صف طولانی منتظر توبت بود. همان گوشت یخی دولتی که بشوید خود رفسنجایی که می گفت دولت های خارجی تولید کننده آن از آن گوشت ها بعنوان کود استفاده می کنند و یا به دریا می بریزند ولی به ایران

نامه منتظری که از ترور دکتر کاظم ساسی ابراز تاسف کرده بود منتشر شد. منتظری از محیط عدم امنیت در کشور ابراز نگرانی کرد و سرانجام روز ۱۸ آذر امسال خمینی طی یکی از پاسخنامه های، دستور انحلال بعضی از نهادها را داد. این يك نقطه سپهر پیرو سهاست که با قبول قطعنامه ۵۹۸ از جانب رژیم، آغاز شده است. اکنون با دقت در آنچه گذشت می توان فهمید که راه مان تسلیم است. حزب الله، زمانی است که نهادهایکی پس از دیگری مثل تاسر انجام سبها جهل و سرکوب خمینی، یعنی سبها با ساداران خمینی منحل شود. خمینی می گوشت تا این اقدام، بدست خود سران حزب الله صورت گیرد، تا کمترین خسارت استوجه رژیمش نماید. اما انقلاب قهرآ مسر خلق، حکم قطعی را در مورد رژیم خمینی و نهادهای ضد انقلابی این حاکمیت به اجرا در خواهد آورد و با سرنگونی این رژیم صلح پایدار و آزاد ی را در جامعه مستقر خواهد نمود.

نمی فرورشد. قیمت دولتی اش به برابر شده و گیر نمی آید و در بازار آزاد هم نیست و بطور قاچاق کیلویی ۲۵۰ تومان است. از طرفی هنوز جنگ تمام نشده و بازسازی شروع نشده، بر نوع بازسازی کشور بین مسئولین رده بالا اختلاف نظر شدید است و جنگ و دعوی آنها بر سر سهم شدنشان بر اه افتاده تا جایی که خود آنها بر این موضوع را در نماز جمعه ابراز داشته اند. از این مهمتر و افتتاح آمیز تر اینکه در تمام نهاد های " انقلابی " نظیر بنیاد شهید - بنیاد پانزده خرداد - بنیاد مستضعفان - جهاد سازندگی - سپاه - مخصوصا کمیته ها و اغلب وزارت خانه ها بدون استثنا سوء استفاده های کلان شده و رشوه خواری و احتکار اجناس رسواشی سختی بهار آورده بطوریکه دیگر نمی توانند پنهان کنند و همه غلشی شده. مسئولین این نهادها اغلب یا از آخوندهای " انقلابی " تشکیل شده و یا از اشخاصی که از آخوندهای " انقلابی "، انقلابی تر" و روی پیشانی آنها به قطر چند میلی متر جای پینه مهر نماز است ولی تمام اینها همه شان دزد از آب درآمده و البته دزد چند میلیونی یا میلیاردری. در این نهادها چنان زدی هاشی شده که رقم آنها بخوبی و به همین ترتیب رده های پائین تر یکی از یکی کثیف تر در آمده اند و مردم بدبخت را دوشیده اند و حالا در مانده اند که چه کسی را بگیرند و اگر بخواهند بگیرند هزاران هزار نفر را باید بگیرند و اساسا چه کسی آنها را بگیرد. اینها کسانی هستند که نخست وزیر و رئیس جمهور و نماینده مجلس می آورند و می برند و خودشان هم اغلب مشاغل حساس دیگری دارند که حتی نخست وزیر و رئیس جمهور هم از آنها می ترسند و لذا معلوم نیست چه می شود. چند روز پیش روزنامه کیهان عکس دو محل کمیته انقلاب اسلامی را که نابلوهای سر در آن نوشته شده بود. کمیته انقلاب اسلامی فلان جا و کمیته انقلاب اسلامی فلان (اصفهان و شیراز) را انداخته بود با میلیاردها تومان اجناس احتکار شده از اموال و اوراق عموسی مردم فقیر و بدبخت آنقدر این کثافت کاری این کمیته ها بارز و غلشی بود که دیگر نمی شد پنهان کرد و مجبور بودند در روزنامه ها بنویسند.

انعکاس قبول قطعنامه ۵۹۸ در جامعه

بقیه از صفحه ۹
۸. مکان - تهران جاده ساوه کارخانه رنگ سازی ایران
زمان: ۶۷/۵/۲۳
سوزه: يك فروشنده دوره گرد در مقابل کارخانه از قول برادرش که در جیبهای جنگ بوده می گفت: همه جا در جیبها شکست خورده ایم، چاره ای نبود جز اینکه دستپاسون و اینریم با لا و تسلیم شویم.
۹. مکان - تهران - نیروگاه برق زاله
زمان: ۶۷/۶/۲
سوزه: يك کارگر تعمیرکار می گفت: تمامی مملکت را برای گرفتن بمره و کربلا و قدس خراب کردند. حالا که شکست خورده اند با پروشی از پیروزی دم می زنند. فردا باید با خواری جلوی مسئولین عراقی بنشینند و مذاکره کنند.



تکرار مسئول شورای ملی مقاومت به دبیر کل ملل متحد

همزمان با بررسی مسأله نقض حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی ملل متحد پیشنهاد می‌کنم پس از محکومیت چند ساله رژیم خمینی در این مجمع اخراج رژیم خمینی از سازمان ملل متحد به عنوان يك اقدام عملی در دستور کار قرار گیرد بخصوص که طی ۷ سال گذشته این رژیم به هیچیک از محکومیت‌های بین‌المللی واقعی نگذاشته و تقاضاهای مکرر مجامع و هیئت‌های بین‌المللی را برای بازدید از زندانها - بش رد کرده است.

لطفا مقرر فرمائید متن حاضر در اختیار نمایندگان کلیه کشورهای عضو ملل متحد بویژه اعضای شورای امنیت گذاشته شود.

اساسی شماری از اعدام شدگان متعاقبا تقدیم خواهد شد.

سعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت ایران
۲۵/نوامبر/۱۹۸۸

قطع شده است هزاران خانواده و مادر و پدر داغدار هر روز در برابر شکنجه‌گاههای خمینی در شهرهای مختلف ایران به انتظار مطلع شدن از سرنوشت فرزندان خود صاف می‌کشند.

از سوی دیگر هفت سال است که ما با اسناد کافی جنایات دیکتاتوری مذهبی و قرون وسطایی خمینی علیه حقوق بشر را به شمار دیگر مراجع ذی‌ربط بین‌المللی گزارش می‌کنیم، این جنایات سمنانه کسه بوضوح حاکی از يك نسل‌کشی بی‌وقفه می‌باشد خنجر ننگ آلودی است بر وجدان بشریت که از قضا پس از قبول آتش بس در ایران تحت حکومت خمینی قویا شدت یافته است.

آقای دبیر کل،

آیا زمان يك اقدام جدی بین‌المللی به منظور مسانعت از این خونریزیهای مستمر فرا نرسیده است؟ و آیا وجدان بشریت معاصر يك دفاع موثر از میشاق ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را در مقابل رژیم ضد انسانی خمینی هنوز هم ضروری نمی‌یابد.

نیویورک
آقای خاور پرزدو کوئیلار
دبیر کل ملل متحد
آقای دبیر کل،

موج فزاینده اعدامها در ایران همچنان بدستور شخص خمینی ادامه دارد. هم اکنون خبر چند هزار اعدام جدید را دریافت کردم. در میان اعدام شدگان اساسی مادران سالخورده، بیماران و بسیاری زندانیان سیاسی که از هفت سال پیش با اصطلاح محاکمه شده دوران محکومیت خود را سپری می‌کردند بچشم می‌خورد. همچنین موارد متعددی از کشتار اعضا يك خانواده و بستگان زندانیان و اعضا مقاومت وجود دارد. بسیاری از اعدام شدگان نیز دوران محکومیت شان تمام شده و یا در زمره کسانی هستند که به تازگی دستگیر شده و همچنانکه رئیس قوه قضائیه رژیم رسماً اعلام کرد بدون هر گونه محاکمه‌ای حلق آویز یا تیرباران شده‌اند، در برخی شهرها زنان زندانی هم در ملاعام به دار آویخته می‌شوند.

در حالیکه ملاقات زندانیان از ۴ ماه پیش اساساً

روحیات توده‌ها

(پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم خمینی)

سوال: برخورد مردم نسبت به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم خمینی چگونه بود؟
جواب: مردم وقتی فهمیدند که رژیم خمینی آتش بس را پذیرفته با ناباوری به این قضیه نگاه می‌کردند. اصلاً فکر نمی‌کردند که این خبر صحیح داشته باشد. جو شهرها بسیار عجیب بنظر می‌رسید. سکوتی آمیخته با ترس و اضطراب از آینده، با وجود اینکه می‌بایست مردم بعد از شنیدن خبر پذیرش آتش بس توسط رژیم خمینی خوشحال بنظر برسند ولی به هیچ وجه وضع آن زمان اینطور نبود. مردم هنوز بسا ناباوری به مسئله نگاه می‌کردند. باور نمی‌کردند که بازنده بودن خمینی جنگه بی پایان برسد. بهمین خاطر اضطراب در چهره‌هایشان وجود داشت. با گذشت چند روز از قضیه پذیرش آتش بس مردم بتدریج عکس العمل خودشان را در برابر این قضیه نشان دادند. حال می‌شد فهمید که مردم چه می‌خواهند. عده زیادی از مردم که بواقع اکثریت جامعه هستند از این آتش بس ابراز خوشحالی می‌کردند. از این خوشحالی بودند که بالاخره جنگه تمام شده است و بهمین خاطر بسا خوشحال بودند. اما در مقابل عده دیگری بودند که بسا ستاثر و ناراحت بودند. این عده حالت یاس و ناامیدی در چشمانشان بخوبی مشاهده می‌شد. این اغلب کسانی بودند که فرزندانشان در طول ۸ سال جنگه ارتجاعی یا کشته شده بودند و بسا عضوی از بدن خودش را از دست داده بود. اینها کلاً عده‌ای بودند که به نوعی در جنگه ضرر دیده بودند و امیدوار بودند که جنگه به نفع "نیروهای رژیم" تمام شود. حال که این وضعیت را مشاهده می‌کردند بسیار متعجب و ناراحت بودند. عده‌ای از خانواده‌های پیشمرگانی نیز که فرزندانشان در صف نیروهای

ببرید و آنها را با خود بیاورید.
سوال: کسانی که خودشان را تسلیم رژیم خمینی می‌کنند چه وضعی دارند و برخورد مردم با آنها چگونه است؟

جواب: رژیم يك سیاست مشخص در این رابطه دارد. افرادی که خودشان را تسلیم کنند مدتی را در زندان می‌گذرانند. رژیم اگر بفهمد که فرد سهمی بوده او را بسادگی "آزاد" نخواهد کرد. ولی اگر بداند که مثلاً يك فرد ساده‌ای بوده بعد از مدتی و پس از اینکه تمام "شیره" وی را کشید و تمام اطلاعات کافی را از وی گرفت، وی را آزاد می‌سازد. يك سیاست دیگر رژیم اینست که تا جایی که برایش میسر است سعی می‌کند که جوانان کرد را معتاد به مواد مخدر نماید و تا حدود زیادی نیز این سیاست رژیم موفق بوده. خیلی از جوانانی که قبلاً پیشمرگه بوده‌اند و الان در ایران بسر می‌برند بنوعی معتاد شده‌اند. چونکه در جامعه با يك وضعیت بسا اسف بار روبرو هستند، از طرفی در هیچیک از ارگانه‌های دولتی کار به آنها داده نمی‌شود. از طرفی دیگر تحت کنترل شدید رژیم هستند، از طرفی نیز مردم شهر آنها را طرد کرده و آنها را تحویل نمی‌گیرند و بهمین خاطر يك فشار روانی - اجتماعی شدیدی به آنها وارد می‌آید که تنها راه حل برای خیلی از این افراد آن است که خود را به دامن اعتیاد ببازرانند. عده‌ای نیز هستند که برای خلاصی از این وضع مهاجرت کرده و در دیگر نقاط ایران اسکان می‌گزینند.

سوال: وضعیت روحی مردم چگونه است؟

جواب: مردم بسدت متاعفان را با رژیم خمینی در تضاد می‌بینند. مردم دیدند که ۸ سال جنگه ویرانی و کشت و کشتار هیچ چیزی برای آنها نداشته است. مردم دیگر این وضعیت را نمی‌توانند تحمل کنند. وضع بحرانی جامعه، نبود امکانات رفاهی و فشارهای مختلف بر مردم دیگر قابل تحمل نیست. مردم منتظر فرصتی هستند که بتوانند تلامی خودشان را از رژیم خمینی بگیرند.

سیاسی ایران می‌باشند ناراحتند و اینطور فکر می‌کنند که بعد از آتش بس بین ایران و عراق ممکن است امکان استقرار فرزندانشان در خاک عراق نباشد.
سوال: برخورد نیروهای رژیم بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با مردم چگونه بود؟

جواب: برخوردی بسوگور رژیم بعد از آتش بس شدیداً به مردم فشار وارد می‌کنند. خیابانها را بسا کنترل گرفته و روی رخت و آمد مردم بسا حساسند. اگر دختری را ببینند که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کند به شدیدترین وجه با وی برخورد می‌کنند. بعضی موارد حتی دیدیم که افراد کمیته جی دختری را زیر لگد گرفته‌اند، چون مثلاً حجابش اسلامی نبوده و یا زیاد اینطرف و آنطرف خود را نگاه کرده است.
سوال: آیا شما اطلاع دارید که اخیراً تعداد زیادی از زندانیان سیاسی توسط رژیم اعدام شده‌اند؟
جواب: بله ما خبر داریم که موج اعدامها اخیراً در ایران زیاد شده است. ما شدیداً می‌گفتند که در يك نوبت ۲۵ نفر و در نوبتی دیگر ۷۵ نفر از زندانیان سیاسی در سنج اعدام شده‌اند. البته رژیم خمینی سعی می‌کند که از علنی شدن اخبار اعدامها جلوگیری نماید. ولی واقعیت اینست که اخیراً کشتار زندانیان سیاسی به اوج تازه‌ای رسیده است. دلیل اصلی آن نیز ایجاد رعب و وحشت در میان مردم بعد از عملیات فروغ جاویدان می‌باشد که از طرف مجاهدین خلق انجام گرفت.

سوال: برخورد رژیم با خانواده‌های پیشمرگانی که در حال مبارزه هستند چگونه است؟

جواب: اخیراً رژیم فشار زیادی بر خانواده‌های پیشمرگان آورده که باید بروید و فرزندانتان را بیاورید. در همین رابطه مردوران رژیم به منزل افرادی که فرزندان یا عضو دیگر خانواده‌شان پیشمرگه هست رفته و به خانواده آنها هشدار می‌دهند که اگر فرزندانان را هر چه زودتر نیاورید شما را اذیت خواهند کرد. رژیم خمینی همچنین اخیراً به خانواده‌ها می‌گوید که "ندامت نامه" را برای فرزندانان

اخبار و رویدادها....

برخی از رویدادهای تاریخی

(آذر ماه)

داخلی:

۱۲۵۹- تولد حیدر خان عموآوغلی از رهبران حزب کمونیست ایران
 ۱۲۸۵- کودتای محمد علی شاه
 ۱۳۰۰- شهادت سیرا کوچک خان رضیر جنبش کیلان بدست عمال رژیم رضا شاه
 ۱۳۲۳- حمله جاقو کشان حزب وطن به کارگران شهر شاهی و مجروح کردن تعداد زیادی از کارگران
 ۱۳۲۵- تشکیل حکومت خودمختار آذربایجان و شکست این دولت پس از یکسال
 ۱۳۳۲- شهادت رسیدن سه دانشجوی انقلابی دانشگاه تهران، رضوی، قندی و بزرگنیا (روز دانشجویان)
 ۱۳۵۳- لشکر کشی شاه به طار و ایفای نقش ژاندارم امیرالایم توسط ارتش شاه
 ۱۳۵۷- تعرض انقلابی تینی چند از پرسنل ارتش به سران مزدور ارتش شاه در یادگان لویزان، در این عملیات قهرمانانه گروهیان دوم اسماعیل سلامت بخش و سرباز وظیفه ناصرالدین اسدی عابد با افتخار شهادت رسیدند.
 ۱۳۵۷- راهپیمایی شگوهمند مردم ایران (تاسوعا و عاشورا سال ۵۷)
 ۱۳۵۷- تحسین استادان دانشگاه تهران
 ۱۳۶۰- شهادت انقلابی برجسته رفیق شکرالله پاک تراه
 ۱۳۶۱- شهادت قائم مقام از فرماندهان برجسته حزب دمکرات کردستان ایران
 ۱۳۶۰- اقدام انقلابی دستگیر کردن رژیم خمینی توسط مجاهدین خلق
 ۱۳۶۳- اعتصاب موفقیت آمیز ۲۰ هزار تفرار کارگران و کارکنان ذوب آهن
 ۱۳۶۴- درگذشت نویسنده برجسته دکتر غلامحسین سعیدی

۲۶ آذر - روز پیشمرگه کردهستان ایران خارجی:

۱۸۲۰- تولد فردرینک انگلس

۱۸۷۹- تولد رفیق زورف استالین

۱۹۲۳- تشکیل کنفرانس تهران با شرکت شوروی، آمریکا و انگلیس

بقیه در صفحه ۸

تروریست های رژیم جنایتکار خمینی وابسته به شبکه دیپلمات - تروریست های خمینی در ترکیه در بهرام گذشته با ربودن ۲ نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران با کمک یک مأمور پلیس ترکیه در استانبول قتل داشتند آنها را به ایران منتقل نمایند که با هوشیاری و دقت عمل مجاهدین رسیده شده ، توپخانه آنها نقش بر آب گردید - ماجرا چنین آغاز شد که در تاریخ ۱۹ مهر ماه تروریست های خمینی ، مجاهد خلق مهندس ابوالحسن مجتهدزاده را دستگیر کرده و او را مخفیانه به کنسولگری رژیم در استانبول می برند - همچنین در روز چهارشنبه ۲۷ مهر ماه مجاهد خلق مصطفی ابراری در حوالی میدان آکسارای استانبول توسط یک مأمور پلیس محل به بهانه کنترل اوراق هویتش متوقف و آنگاه به یک سفارزه چلو کبابی بنام پرسبولیس که در همان حوالی قرار دارد، هدایت شده و در اختیار پانداران مزدور خمینی قرار میگیرد - مزدوران بعد از ضرب و شتم وی با تهدید اسلحه از وی بازجویی می کنند و سپس قتل داشتند که وی را به آرامی سوار بسک ماشین که در جلو سفارزه پارک شده بود بکنند که بسک عکس العمل سریع و متهورانه وی نقشه آنها نقش بر آب شده و مصطفی ابراری موفق به فرار می شود - دنبال این موضوع آقای سعید رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران با ارسال دو تلگراف فوری برای رئیس جمهور و نخست وزیر ترکیه خواستار رسیدگی به این موضوع و همچنین مراقبت از جان و امنیت ایرانیان آواره در ترکیه و خلاصی مهندس ابوالحسن مجتهدزاده که در چنگال تروریست های خمینی اسیر بود، گردید - در این حال دیپلمات - تروریست های خمینی عجلانه با فرار دادن مهندس ابوالحسن مجتهدزاده در بسک چمدان در صندوق عقب یک اتومبیل قتل داشتند وی را از مرز عبور داده و به ایران بیرتد که در شهر ازمجان ترکیه بهنگام خرید بنزین با سروصدائی که مجاهد خلق در صندوق عقب اتومبیل برآه انداخته بود مردم محل را متوجه موضوع کرد و به این ترتیب باعث شناسایی و دستگیری تروریست های خمینی گردید - سخنگوی وزارت خارجه ترکیه " اینال باتو " تاکید کرد که بازجویی از دستگیر شدگان ادامه دارد - روزنامه های ترکیه نیز در این مورد و در رابطه با فعالیت های مشکوک عوامل خمینی در ترکیه سروصدای فراوان برآه انداختند و خواستار دستگیری و اخراج دیپلمات های رژیم از ترکیه شدند - در اعتراض به این امر ۸۲ عضو پارلمان اروپا ضمن ارسال پیامی به دولت ترکیه خواهان حساب است از پناهندگان ایرانی در ترکیه گردیدند - دولت ترکیه طی یک اعتراض شدیدالحن به رژیم خمینی دستور اخراج ۴ دیپلمات - تروریست خمینی را صادر کرد - ستاد اطلاعات سازمان مجاهدین خلق ایران گزارشی مفصلی در باره شبکه های تروریستی رژیم خمینی در ترکیه را با ذکر اسامی و مشخصات دست انفرکاران مزدور خمینی انتشار داد -

بقیه در صفحه ۳

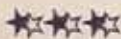


رفقای فدایی:

همایون پیرزاد - قرنی حسینی - رحمت طالب نژاد - اسدالله بشر دوست - پرویز نصر مسلم ابوالقاسم نیکچه همدانی - علیرضا بهاری پور - علی عبدالعلی زاده - محمد رضا شهناز - غلامرضا کاروردیان چابچی - حمید رضا سعادت - مختار قلعه وسی - احمد اقدسی - بهروز بهروزنیا - حسین تدریسی - فرهود روانی - محسن بندر شاهه جی - فریدون شالعی - زهرا آقا نسی لیلی - علیرضا شهاب رضوی - در مبارزه قهرمانانه علیه رژیم های شاه و خمینی و نیز در مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم طی سال های ۵۰ تا کنون بشهادت رسیدند .



رفقا: فتح الله کریمی - خاطره جلالی - مرتضی حاج شفیعپا - حسین محمودیان - مرتضی احمدی حیرون قصیری - محمد زین الدینی - یوسف زرکاری - فاطمه حسن پور اصل - بهمن روحی آهنگران - سرور فرهنگ حسن نوروزی - فاطمه اشمنی انبالی - شاهرخ سینائی (اولین شهید جنبش دانشجویی خارج از کشور) خدا بخش شالی - در مبارزه قهرمانانه علیه رژیم های شاه و خمینی و نیز در مبارزه علیه امیرالایم و ارتجاع و برای دمکراسی و سوسیالیسم طی سال های ۵۰ تا کنون بشهادت رسیدند .



بانک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است .
 کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد ، بسا مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه تشریح واریز کرده و قسری رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید .

حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
 EQULOGNE - S - SEINE آدرس بانک
 03760 کد گیشه
 00050097851 شماره حساب
 MME R - T - TALAT نام صاحب حساب

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان در آمریکا و کانادا با آدرس زیر مکتبه کنید -
 HOVE, YAT
 P.O. BOX 2891
 RESTON, VA 22090

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکتبه کنید

F. ASSELIN
 B.P. 311
 75229 PARIS
 CEDEX 05
 FRANCE